

اذکار صالحین

جمع و ترتیب از:

دکتور نظام الدین «نافع»

استاد پوهنتون (دانشگاه) اسلامی

بین المللی اسلام آباد - پاکستان

عنوان کتاب: اذکار صالحین
جمع و ترتیب: دوکتور نظام الدین «نافع»
موضوع: آداب و رسوم اسلامی - دعا، ذکر و مناجاتنامه
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahedin.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
پیشگفتار.....	۱
انگیزه نوشتن این رساله:.....	۱
دعا و نیایش.....	۳
فضائل و خوبی‌های دعا.....	۴
شروط دعا کننده.....	۷
یاددهانی:.....	۷
اوقات و حالاتیکه در آنها دعا قبول می‌گردد:.....	۹
کسانیکه دعای‌شان به اجابت می‌رسد:.....	۹
آداب دعا و مستحبات آن:.....	۹
چرا دعا به اجابت نمی‌رسد؟.....	۱۰
نمونه از دعا‌های انبیاء <small>علیهم‌السلام</small> در قرآن مجید:.....	۱۱
سائر دعا‌های قرآنی.....	۱۹
دعای اصحاب کهف:.....	۱۹
دعای آسیه زن فرعون:.....	۱۹
آیه‌های شفا:.....	۲۱
احادیث شفا.....	۲۲

- استغفار و طلب آمرزش ۲۴
- فضیلت تلاوت قرآن مجید ۲۷
- فضیلت درود گفتن بر پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ ۲۹
- فضیلت اسماء الله تعالی ۳۳
- طریقه خواندن اسماء الله تعالی: ۳۴
- اسماء الله تعالی: ۳۴
- ترجمه و شرح اسماء الله تعالی: ۳۵
- خواص اسماء الله تعالی: ۴۹
- اسم اعظم خداوند ﷻ ۵۲
- اوراد و اذکار صبح و شام ۵۷
- بخش قرآنی: ۵۸
- احادیث نبوی ﷺ: ۵۸
- اوراد بخش قرآنی: ۵۸
- طریقه وضوء و دعاهای آن ۷۹
- نماز خواندن ۸۱
- طریقه ادای نماز ۸۱
- نماز استخاره ۸۴
- نماز حاجت: ۸۶
- دعاهای متفرقه ۸۷
- دعای وقت بیرون شدن از منزل: ۸۷

- ۸۷..... دعای مسافر:
- ۸۸..... دعای وقت روان شدن به سفر:
- ۸۸..... دعای وقت سوار شدن بوسایل سفر:
- ۸۹..... دعای بازگشت از سفر:
- ۸۹..... دعای طلب باران:
- ۹۰..... دعای وقت داخل شدن به مسجد:
- ۹۰..... دعای وقت بیرون شدن از مسجد:
- ۹۱..... دعای وقت داخل شدن به بازار:
- ۹۱..... دعای داخل شدن به بیت الخلاء:
- ۹۱..... دعای وقت بیرون شدن از بیت الخلاء:
- ۹۱..... دعای تعزیت:
- ۹۲..... دعای زیارت قبور:
- ۹۲..... دعای پیش از شروع طعام:
- ۹۳..... دعای بعد از فراغت از طعام:
- ۹۳..... دعای مهمان برای میزبان:
- ۹۳..... دعای روزه دار برای کسیکه او را افطاری داده است:
- ۹۳..... دعای وقت افطار:
- ۹۴..... دعای وقت عیادت مریض:
- ۹۴..... دعای عطسه زننده:
- ۹۴..... دعای برای کسیکه ازدواج نموده است:
- ۹۴..... دعای خیر و برکت بر متاعی که انسان خریداری می کند:
- ۹۵..... دعای وقت دیدن ماه نو:
- ۹۵..... دعای وقت دیدن در آینه:
- ۹۵..... دعای وقت آواز رعد و برق:

- ۹۶..... دعای وقت نوشیدن آب زمزم:
- ۹۶..... دعای ختم مجلس:
- ۹۶..... دعای وقت همبستر شدن با همسر:
- ۹۶..... دعای قبل از خواب:
- ۹۷..... دعای وقت بیدار شدن از خواب:
- ۹۷..... دعای عقیقه:
- ۹۸..... دعای قنوت:
- ۹۸..... دعای نجات از غم و اندوه:
- ۹۹..... دعای بی‌قراری:
- ۱۰۰..... دعای رفع نا آرامی و یا ترس در خواب:
- ۱۰۰..... دعای برای عزت و رسیدن بمقام و منصب:
- ۱۰۱..... دعای طلب علم:
- ۱۰۱..... دعا برای جلوگیری از امراض خطرناک:
- ۱۰۱..... دعای صحتی و سلامتی:
- ۱۰۱..... دعای نجات از شرک:
- ۱۰۲..... دعای وقت دیدن مصیبت زده:
- ۱۰۲..... دعای بعد از اذان:
- ۱۰۲..... دعای وقت روبرو شدن به دشمن:
- ۱۰۲..... دعای درخواست اخلاق حسنه:
- ۱۰۳..... دعای جنازه:
- ۱۰۴..... دعای برای جنازه پسر نابالغ:
- ۱۰۴..... دعا برای جنازه دختر نابالغ:
- ۱۰۴..... دعای برای علاج بی‌خوابی:
- ۱۰۵..... دعای سجده تلاوت:

- ۱۰۵..... دعای وقت شنیدن آواز خروس:
- ۱۰۵..... دعای وقت شنیدن عرعر خر:
- ۱۰۶..... دعا برای نجات حاصل کردن از عادات و اخلاق ناپسند:
- ۱۰۶..... دعا برای رفع مشکلات:
- ۱۰۶..... دعا جهت نجات یافتن از قرض داری:
- ۱۰۶..... دعا برای پدر و مادر:
- ۱۰۹..... شش کلمه دین**
- ۱۰۹..... اول کلمه طیبه:
- ۱۰۹..... دوم کلمه شهادت:
- ۱۰۹..... سوم کلمه تمجید:
- ۱۱۰..... چهارم کلمه توحید:
- ۱۱۰..... پنجم کلمه استغفار:
- ۱۱۰..... ششم کلمه رد کفر:
- ۱۱۳..... وظیفه نهایت آسان و پر وزن در صحیفه اعمال:**
- ۱۱۵..... فهرست مآخذ**
- ۱۱۷..... آثار علمی مؤلف**

پیشگفتار

نحمده ونصلي على رسوله الكريم وعلى آله وأصحابه أجمعين.

و بعد: خداوند ﷺ را نهایت سپاس گذارم که بمن توفیق ارزانی نموده است تا توانستم مجموعه‌ای از اذکار قرآنی، و احادیث گرانبهای آنحضرت ﷺ را جمع‌آوری نمایم.

انگیزه نوشتن این رساله:

هدفم از جمع‌آوری این رساله دو چیز بوده است:

۱- بسیاری از مردم را می‌دیدم که بعضی از اذکار را ورد خود ساخته و به خواندن آن‌ها صبح و شام مبادرت می‌ورزند درحالیکه خواندن این اذکار نه از آیات قرآنی بوده و نه هم از احادیث نبوی ﷺ، و نه هم در کدام حدیث و اثری خواندن آن‌ها ثابت شده است، و حتی در خواندن بعضی از این اذکار مبالغه و گزاف‌گویی‌های زیادی بعمل آمده است، و بمنظور تشویق و ترغیب خواننده روایات و اسناد بی‌اساس و بی‌محتوی ساخته و بافته عده‌ای از مردم بی‌خرد و نادان در آن‌ها درج و ثبت شده است، و از طرف بعضی از چاپ‌خانه‌ها که هدف‌شان جز فروش نشرات‌شان چیز دیگری نیست به نشر سپرده شده است. بناء لازم دیدم جزوه را که از آیات قرآنی و احادیث نبوی شریف منتخب شده است به نشر سپارم.

۲- همسر و والده عبدالباسط جان که علاقه شدیدی به خواندن اذکار دارد، همیشه بمن توصیه می‌نمود که مجموعه‌ای از اذکار را جمع، و

به زبان دری که یکی از زبان‌های رسمی ملت مسلمان افغانستان است ترجمه نمایم تا برای خودش و دیگر خوانندگان این رساله سهولت میسر گردد، که اینک بحمد الله تعالی رساله موصوف آماده طبع شده خدمت خوانندگان بی‌نهایت عزیز و مهربان تقدیم می‌گردد.

این را باید تذکر دهم که شاید بعضی‌ها بگویند که خواندن تمام این مجموعه همه روزه وقت زیادی را دربر می‌گیرد، و از جانبی برای خواننده نیز ملال و کسالت پیدا می‌شود. در جواب باید گفت: که خواندن تمام این مجموعه همه روزه ضروری نبوده بلکه هدف از نوشتن آن این است که که اگر کسی می‌خواهد کدام ذکر و اورادی را بخواند می‌تواند به قدر توان و مطابق ذوق خویش همان اذکاری را انتخاب نماید که خواندن آن‌ها اساس شرعی داشته و برای خواننده ثواب و اجر حاصل گردد. مثل عربی است که می‌گویند: «ما لا یُدرک کله لا یُترک جُله». «اگر کسی همه چیزها درک نمی‌گردد همه آن‌ها ترک هم نمی‌گردد».

در اخیر از همه خوانندگان این مجموعه تقاضا می‌نمایم که این بنده حقیر را از دعای خیر خویش فراموش نساخته و در جمله کسانی که در دعای خود شامل می‌سازند شامل گردانند.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و أصحابه أجمعین.

وبالله التوفیق وبه نستعین.

اسلام آباد - پاکستان.

دکتور نظام الدین «نافع»

تاریخ ۲۰۰۸/۲/۱۰م

دعا و نیایش

دعا و نیایش یکی از مهم‌ترین وسائل ارتباط بندگان با خداوند عز و جل است، و روح هر عبادتی قرب به خداوند و راز و نیاز با او می‌باشد. دعا بهترین عبادت و وسیله‌ای حرکت با دوبالی است که انسان با دعا هم از امکانات مادی کمک می‌گیرد و هم از امدادهای غیبی نیرو می‌یابد. دعا آنگاه با اجابت مقرون می‌گردد که همراه با ایمان و اخلاص بوده و دعا کننده مطیع فرامین خداوند بگردد، و از صمیم قلب به اجابت دعای خویش ایمان داشته باشد. دعا از هر کس، و در هر کجا، و در هر وقت و زمانی که باشد، اگر خداوند بخواهد قبول می‌گردد. دعا کننده در دعای خویش هم‌رنگی تمام عیاری با همهٔ جهان هستی می‌کند. ﴿كُلُّ لَهْوٍ قَلْبَتُونَ﴾ [الروم: ۲۶]. «همه به او فرمان برند».

اگر ما کمی دقیق در مسأله دعا بنگریم می‌بینیم که همهٔ موجودات در حال درخواست از خداوند جل و علا شانه می‌باشند. ﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ [الرحمن: ۲۹]. «تمام کسانیکه در آسمان‌ها و زمین است از او [حاجات خود را] می‌جویند او هر روز در شأنی است».

هیچ فرد مسلمانی از اثرات روانی، اجتماعی، و تربیتی دعا بی‌خبر نمی‌باشد زیرا انسان برای تقویت اراده خویش و برطرف ساختن نا راحتی‌های خود به تکیه گاهی احتیاج دارد که او را یاری و مدد نماید و آن همان ذات پاک خداوند عز و جل است. دعا چراغ امید را در انسان روشن می‌سازد، و انسان بوسیلهٔ دعا و تضرع شایستگی بیشتری برای بدست

آوردن فیوضات خداوند حاصل میکند. و قلب و روحش از طریق دعا پیوند نزدیکی به خداوند پیدا می‌نماید.

فضائل و خوبی‌های دعا

در رابطه به فضائل و اهمیت دعا آیات و احادیث فراوانی آمده است که در اینجا بعضی از آیات و احادیث به سمع خوانندگان عزیز رسانیده می‌شود.

آیات قرآنی:

۱- اوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ [البقره: ۱۸۶].

ترجمه: «هنگامیکه بندگان من از تو در باره من سؤال کنند من یقیناً (با ایشان) نزدیکم چون دعا کننده مرا بخواند، دعایش را اجابت می‌کنم پس آن‌ها باید دعوت مرا بپذیرند و باید بمن ایمان بیاورند تا باشد که براه راست رهیاب گردند».

سبب نزول آیه مبارک:

برای این آیه مبارک چندین سبب نزول ذکر شده است مگر مآل همه آن‌ها یک چیز است و آن عبارت از دعا و خواست از خداوند عز و جل می‌باشد. امام ابن جریر طبری رحمته از معاویه پسر حیده که وی از پدر خویش روایت می‌کند چنین گفته است: «قال: جاء أعرابي إلى النبي ﷺ فقال: أقریب ربنا فنناجیه، أم بعيد فننادیه؟»^۱. «اعرابی نزد آنحضرت ﷺ آمد و گفت: آیا پروردگار ما

۱- جامع البیان عن تأویل آی القرآن للإمام الطبري: ۲/ ۲۰۹.

نزدیک است که او را آهسته بخوانیم یا دور است که او را با آواز بلند بخوانیم؟ آنحضرت در برابر سؤالش خاموشی اختیار نمود سپس آیه مبارک نازل شد.» و نیز چنین روایت شده است: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَمِعَ الْمُسْلِمِينَ يَدْعُونَ اللَّهَ بِصَوْتٍ مَرْتَفِعٍ فِي غَزْوَةِ خَيْبَرَ، فَقَالَ لَهُمْ: أَيُّهَا النَّاسُ! ارْبَعُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ إِنَّكُمْ لَيْسَ تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا إِنَّكُمْ تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا وَهُوَ مَعَكُمْ»^۱. «پیامبر اسلام ﷺ در غزوه خیبر از مسلمانان شنید که با آواز بلند خدا را می‌خوانند، آن حضرت با ایشان فرمود: ای مردم آواز خود را آهسته کنید همانا شما یان کر و غایب را دعا نمی‌کنید بلکه شما کسی را که شنوا است و شما نزدیک است می‌خوانید و او با شما است.» (و این را باید دانست که مراد از قرب و نزدیکی خداوند به بنده قرب مکانی نبوده بلکه مراد از آن قرب علم و اجابت دعوت و خواست بنده است).

در آیه مورد بحث خداوند هفت مرتبه بذات پاک خود اشاره می‌کند، و هفت بار به بندگان، این امر نهایت قرب و ارتباط و پیوستگی و محبت خدا را به بندگان ثابت می‌سازد. و می‌فرماید: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^[۱۴]. ترجمه: «پس خدا را بخوانید و عبادت و طاعت را خاص از آن او بدانید هر چندیکه کافران دوست نداشته باشند».

۲- و می‌فرماید: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾^[النمل: ۶۲].

ترجمه: «آیا کیست که دعای درمانده‌ای را چون به او نیایش نماید اجابت می‌کند و بدی را دور می‌سازد؟».

۱- جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري: ۲۶۲ / ۵.

احادیث نبوی:

از پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در رابطه با دعا احادیث زیادی روایت شده از آنجمله به روایت امام ترمذی از حضرت انس رضی الله عنه چنین آمده است. «الدَّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ». «دعا مغز عبادت است». و در روایت نعمان پسر بشیر از آن حضرت رضی الله عنه چنین نقل شده است: «الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ». «دعا عبادت است»^۱. و در روایت حضرت علی رضی الله عنه از آنحضرت رضی الله عنه باین عبارت نقل قول شده است: «الدَّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، وَعِمَادُ الدِّينِ، وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۲. «دعا سلاح مؤمن، و ستون دین، و نور آسمانها و زمین است». آیا دعا منافی رضا و تسلیم در برابر خداوند جل جلاله است؟ کسانی که می گویند: دعا کردن مداخله در کار خدا است و خداوند هرچه مصلحت بنده را بداند انجام می دهد، و او مصالح ما را از خود ما بهتر می داند، بناء بر آن ضرورت به دعا نیست. این مردم چنانچه قبلاً هم تذکر گردید از اثرات روانی، اجتماعی و تربیتی دعا و نیایش بی خبراند و این را نمی دانند که دعا بذات خودش عبادت و خضوع و بندگی است. و انسان توسط دعا ارتباط خاصی به خداوند پیدا می کند چنانچه می فرماید: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰]. ترجمه: «مرا نیایش کنید تا -دعا- شما را اجابت کنم». یکی از اهداف مهم عبادت همانا نیایش، تضرع، و اظهار عجز و انکسار در برابر خداوند و منقاد شدن به قدرت کامله الله جل جلاله می باشد. چنانکه می فرماید: ﴿أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [الأعراف: ۵۵]. «پروردگارتان را با تضرع و نهانی [به نیایش] بخوانید. بی گمان او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد».

۱- مسند امام احمد بن حنبل، کتاب ادب مفرد امام بخاری.

۲- مسند أبو یعلیٰ ومستدرک حاکم، و حاکم گفته است که حدیث موصوف صحیح است.

شروط دعا کننده

دعا کننده باید باین عقیده باشد که تنها کسیکه قادر و توانا بر اجابت دعای من است همانا خداوند یگانه و یکتا است و تمام وسائل و اسباب به اراده و فرمان خداوند کارگر می‌افتد و باید دعاکننده در حین دعا نمودن نیت خود را تصحیح نماید، و از صدق دل و حضور قلب دعا کند چرا که خداوند دعای کسیکه از دل غافل او را می‌خواند نمی‌پذیرد. و از خوردن غذای حرام پرهیز نماید، و از دعا کردن احساس ملال نکند.

یکی از علماء بنام سهل ابن شستری شروط دعا را هفت چیز وانمود کرده است: تضرع، خوف، امید، مداومت بر دعا، عام گردانیدن دعا، و خوردن روزی حلال، و بعض علماء این چهار چیز را شرائط دعا گفته‌اند:

۱- به تنهای قلب خود را حفاظت کند.

۲- همراه با مردم زبان خود را کنترل نماید.

۳- و نظر خود را از نا محرم منع نماید.

۴- و شکم خود را از حرام پاک کند.

یاددهانی:

این نکته قابل تذکر است که دعا کننده باید در دعای خود از خداوند چیزهای را که حرام و ناجائز قرار داده است نخواهد، گناه و معاصی ننماید، قطع صلّه رحم نکند، به حقوق مسلمانان تجاوز ننماید، و ظلم و تعدی نکند، و در اجابت دعا عجله ننماید، باین معنی که بگوید من دعا زیاد نمودم ولی خداوند دعای من را نه پذیرفت. بناء باید بنده مسلمان به همه این امور پای بندی نماید تا اگر خداوند بخواهد دعایش بزودی مورد اجابت بارگاه ذات اقدس الهی قرار گیرد. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در حدیثی چنین فرموده‌اند:

«عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: تستجاب لأحدكم ما لم يعجل يقول: قد دعوت ربي فلم يستجب لي»^۱.

«از حضرت ابو هريره رضي الله عنه روایت شده که: آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود: دعای یکی از شما اجابت می شود تا مادامی که شتاب نکند و بگوید: به پروردگارم دعا نمودم و دعای مرا اجابت نکرد». و نیز آنحضرت صلى الله عليه وسلم می فرماید: «عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: ما على الأرض مسلم يدعوا الله بدعوة إلا آتاه الله إياها أو صرف عنه من السوء مثلها ما لم يدع بمأثم أو قطيعة رجم. فقال رجل من القوم: إذا نُكِرَ. قال: الله أكثر». [رواه الترمذي وقال: حديث حسن. ورواه الحاكم من رواية أبي سعيد وزاد فيه]: «أو يدخر له من الأجر مثلها».

«از حضرت عباده بن صامت رضي الله عنه روایت شده است که: آن حضرت صلى الله عليه وسلم فرمود: بر روی زمین مسلمانی نیست که دعا به دربار خدا نماید مگر اینکه خداوند دعای وی را اجابت می نماید و یا مثل آنرا از بدی از وی دور می گرداند. مادامی که به گناه و قطع صله رحم دعا نکند. مردی از میان قوم گفت: ازین به بعد زیاد دعا می کنیم. آنحضرت فرمود: خداوند بیشتر (یعنی احسان و لطف خداوند از درخواست شما زیادتر است». این حدیث را امام ترمذی رحمته الله روایت نموده و گفته است که حدیث حسن و صحیح است. اما حاکم در روایتش چنین افزوده است: «و یا خداوند برای او مانند پاداش او را ذخیره می کند».

اوقات و حالاتیکه در آن‌ها دعا قبول می‌گردد:

اوقات و حالاتیکه ذیلاً می‌نگاریم در احادیث شریف اوقات و حالاتی گفته شده که دعای بنده مسلمان به اجابت می‌رسد:

وقت سحری، وقت گشادن روزه (افطار)، میان اذن و اقامت، حالت تنگدستی و مضطر بودن، وقت نزول باران، میدان جنگ، یعنی در میدان کارزار با کفار، بعد از نمازهای فرض، در وقت ادا کردن نماز تهجد، در وقت سجده، ساعتی در شبانه روز جمعه، شب قدر، وقت نوشیدن آب زمزم، در روز عرفه، در میدان عرفات، (روز نهم ذی الحجه). بعد از تلاوت قرآن مجید، در وقت بانک دادن خروس، بعد از «ولا الضالین» گفتن امام، و زمانی که نظر شخص در اول مرتبه بر خانه کعبه می‌افتد، و در تمام ماه مبارک رمضان.

کسانیکه دعای‌شان به اجابت می‌رسد:

دعای این اشخاص بنا به احادیثکه در مورد از آن حضرت ﷺ روایت شده است زودتر قبول می‌گردد:

دعای والدین برای اولاد، دعای اولاد صالح و خدمت‌گذار پدر و مادر، دعای مظلوم و ستم‌دیده، دعای حاکم عادل و با انصاف، دعای مسافر، مخصوصاً دعای مسافریکه بمنظور خانه خدا سفر می‌کند، و یا به‌هدف فرا گرفتن علوم شرعی مسافر می‌شود، دعای روزه‌دار در وقت افطار، دعای مسلمان برای برادر مسلمان بالخصوص دعای که در غیاب شخص صورت بگیرد، دعای مریض، و دعای مردم نیکوکار و صالح.

آداب دعا و مستحبات آن:

علماء کرام چیزهای ذیل را آداب و مستحبات دعا گفته‌اند:

اخلاص نیت، با یقین کامل از خداوند چیزی خواستن، در دعای خود شک و تردید راه ندادن، بجز از خداوند از هیچکس چیزی نخواستن، هر خواست و دعای خویش را سه بار تکرار نمودن، نخست برای خود و سپس برای دیگران دعا نمودن، به گناه خویش اعتراف نمودن، و از خداوند عز و جل بخشش و عفو خواستن، به عجز و انکسار زیاد مطلوب خود را پیشکش نمودن، نعمت‌های خداوند را یاد دهانی و از خداوند توفیق شکر کردن، در اول و آخر دعا حمد و ثنای خداوند را نمودن، در دوران دعا در گفتار و عمل هیبت خداوند را در دل داشتن، پیش از دعا و بعد از آن بر روان پاک پیامبر بزرگوار اسلام تحیت و درود فرستادن، هر دو دست خود را در برابر سینه خود جدا و گشاده قرار داده سپس دعا کردن، و در وقت دعا نمودن از خداوند با اصرار و الحاح زیاد چیزی خواستن بگونه ایکه شخص سائل بسیار گرسنه‌ای از کسی غذا و طعام بخواهد.

چرا دعا به اجابت نمی‌رسد؟

- ۱- خداوند را می‌شناسی اما حق او را ادا نمی‌نمایی.
- ۲- قرآن مجید را تلاوت می‌کنی مگر به آن عمل نمی‌کنی.
- ۳- دعوی محبت رسول صلی الله علیه و آله را می‌نمائی، اما به سنت و طریقه نورانی پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله عمل نمی‌کنی.
- ۴- جنت را از خداوند خواهانی اما برای داخل شدن به جنت عمل نمی‌کنی.
- ۵- دعوی دشمنی با شیطان داری اما با شیطان مخالفت نمی‌کنی.
- ۶- مردن را حق می‌دانی اما برایش آمادگی نمی‌گویی.
- ۷- به پیدا کردن روزی حلال مأموری مگر نه روزی حلال می‌خوری و نه هم لباس حلال به تن داری.

نمونه از دعا‌های انبیاء علیهم‌السلام در قرآن مجید:

و وقتی ما قرآن مجید را تلاوت مینماییم در بسا سوره‌های قرآن کریم به مناجات و راز و نیازهای حضرات انبیاء علیهم‌السلام آگاهی پیدا می‌کنیم. و می‌بینیم که این علم برداران توحید و رادمردان و بزرگان تاریخ بشریت به حضور پروردگار خویش دست دعا بلند نموده با عجز و انکسار به راز و نیاز می‌پردازند، و از خدای خویش عرض مسئلت می‌نمایند بطور نمونه.

۱- حضرت ابو البشر آدم علیه‌السلام چنین التجا می‌کند: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا

وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۲۳﴾ [الأعراف: ۲۳].

ترجمه: «پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم، و اگر تو ما را نیامرزی و بر ما رحمت خویش را ارزانی نفرمای، ما یقیناً از زمره زیانکاران می‌باشیم».

۲- حضرت نوح علیه‌السلام این طور عرض و نیاز به پروردگار خویش می‌نماید:

﴿فَدَعَا رَبَّهُ وَآتَى مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرُ ﴿۱۰﴾﴾ [القمر: ۱۰]. نوح علیه‌السلام به

پروردگار خویش چنین نیایش کرد: من مغلوب شده‌ام پس (مرا)

یاری فرما. و فرمود: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [نوح: ۳۸].

ترجمه: «ای پروردگار من! پدر و مادر من را بیامرز و (نیز) کسی را که

(بصفت) مسلمان به خانه من داخل می‌شود، و همه مردان مؤمن و زنان

مؤمنه را».

۳- حضرت هود علیه‌السلام باین عبارت به پروردگار خود تضرع می‌نماید: ﴿إِنِّي

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ﴾ [هود: ۵۶].

ترجمه: «همانا من به پروردگار خود و پروردگار شما توکل کردم».

۴- حضرت ابراهیم بت شکن علیه السلام این چنین با پروردگار خویش راز و نیاز می‌کند: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾﴾ [ابراهیم: ۴۰-۴۱].

ترجمه: «ای پروردگار من، مرا برپادارنده نماز بگردان، و از اولاد من (نیز). ای پروردگار ما، دعای مرا قبول بفرما، ای پروردگار ما، مرا و (نیز) مادر و پدر مرا و همه مسلمانان را در روزیکه حساب برپا می‌شود بیامرزد». و زمانی که حضرت ابراهیم علیه السلام بیمار می‌گردد این چنین به خدای خویش عرض و نیاز می‌نماید: ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾﴾ [الشعراء: ۸۰].

ترجمه: «و زمانی که مریض شوم او (خداوند جل جلاله) مرا شفا می‌دهد». و بار دیگر باین عبارت از پروردگار خویش در خواست می‌کند:

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾﴾ [الشعراء: ۸۳-۸۵].

ترجمه: «پروردگارا! بر من حکمت ارزانی کن، و مرا به صالحان پیوست گردان، برای من در (میان امت‌های) آینده ذکر خیر قرار ده، و مرا از وارثان بهشت (پیر از) نعمت‌ها بگردان».

۵- حضرت اسماعیل علیه السلام حضرت ابراهیم و پسر ارجمندش حضرت اسماعیل علیه السلام زمانی که به امر پروردگار خویش خانه کعبه مکه مکرمه را بنا می‌نمایند چنین التجا و تضرع می‌کند: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ

ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۸].

ترجمه: «پروردگارا! (این خدمت را) از ما بپذیر واقعاً که تو و تنها توئی
شنا و دانا، پروردگارا، ما را فرمانبردار خود بگردان، و از نسل ما (نیز)
امتی بیافرین (مسلمان) که تسلیم فرمان تو باشند، مناسک ما را بما نشان
ده، توبه ما را بپذیر حقا که تو و تنها تویی توبه‌پذیر مهربان».

۶- حضرت لوط عليه السلام چنین تضرع می‌نماید: ﴿قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ
الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۰].

ترجمه: «لوط عليه السلام گفت: ای پروردگار من، مرا برین قوم فساد پیشه پیروز
گردان».

۷- حضرت یوسف عليه السلام بعد از فراق و دوری زیاد از پدر و اقارب خویش
وقتی که با پدر محبوب و دوست داشته خود ملاقات می‌کند و با
برادران که ایشان را مورد اذیت و آزار خویش قرار داده بودند
مصالحه می‌نماید چنین با پروردگار خویش به راز و نیاز می‌پردازد و
می‌فرماید:

﴿رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي
بِالصَّالِحِينَ﴾ [يوسف: ۱۰۱].

ترجمه: «ای پروردگار من! واقعاً مرا از قدرت برخوردار گردانیدی و بمن
از (علم) تعبیر خواب‌ها آموختی، ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین، تو در دنیا و
آخرت کار ساز منی مرا مسلمان بمیران، و مرا با صالحان پیوست گردان».

۸- حضرت ایوب علیه السلام زمانی که مریض می‌گردد از عجز و ناتوانی خویش باین عبارت به بارگاه کبریایی خداوند عرض مسئلت می‌کند: ﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ ۗ أَنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۸۳﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ ۖ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ ۖ مِنْ ضُرِّ ۖ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ ۖ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً ۖ مِنْ عِنْدِنَا ۖ وَذِكْرَىٰ لِلْعَبِيدِينَ ﴿۸۴﴾ [الأنبياء: ۸۳-۸۴].

ترجمه: «و ایوب (را بیاد آور) هنگامیکه به پروردگار خود نیایش کرد (و گفت): همانا بیماری بمن روی آورده و تو مهربان‌ترین مهربانی، ما دعای او را اجابت کردیم، و بیماری‌اش را برطرف ساختیم، و خانواده او را باو باز دادیم، و بر ایشان (همانند) تعدادشان را افزون گردانیدیم، از روی مرحمتی که از جانب ما (بر ایشان) بود و پندی برای پرستش کنندگان».

۹- حضرت شعیب علیه السلام: وقتی که عده از مستکبران قوم‌شان از دعوت‌شان ابا می‌آوردند و تصمیم می‌گیرند که حضرت شعیب علیه السلام و مسلمانانی را که بایشان ایمان آورده‌اند از سرزمین‌شان اخراج نمایند باین مضمون به خدای خویش به التجا می‌پردازد: ﴿رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿۸۹﴾ [الأعراف: ۸۹].

ترجمه: «ای پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق فیصله کن، و تو بهترین فیصله‌کنندگانی».

۱۰- حضرت موسی علیه السلام: حضرت موسی علیه السلام با عبارت بسیار دلگیر و پیر مفهوم به راز و نیاز به بارگاه ذات اقدس احدیت می‌پردازد و چنین می‌گوید: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿۲۵﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿۲۶﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿۲۷﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿۲۸﴾ [طه: ۲۵-۲۸].

ترجمه: «گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برای من فراخ گردان، و کار من را

برایم آسان ساز، و گره را از زبانه بگشای، تا سخنم را بفهمند». و در جای دیگر این چنین به دعای خویش سر می دهد: ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: ۲۴]. ترجمه: «ای پروردگار من! به خیری که بمن ارزانی نمودی نیاز مندم».

۱۱- حضرت هارون عليه السلام: حضرت موسی و هارون عليهما السلام زمانی که از بیدادگری و ظلم و ستم فرعون و فرعونیان بستوه می آیند به خدای خویش باین عبارت شیوا به مناجات می پردازند: ﴿عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۸۵﴾ وَحِجَّتَا بِرَحْمَتِكَ مِنْ أَلْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ ﴿۸۶﴾﴾ [یونس: ۸۵-۸۶].

ترجمه: «بر خدا توکل نمودیم، پروردگارا! ما را (وسیله) آزمایش مردم ستمگار مگردان، و ما را برحمت خود از گروه کافران نجات ده».

۱۲- حضرت سلیمان عليه السلام: خداوند به حضرت سلیمان عليه السلام لسان پرندگان و طریق افهام و تفهیم میان حیوانات را تعلیم داده بود ایشان زمانی که از سرزمین مورچگان گذر نمودند و مورچگان میان خود به گفتگو پرداختند، حضرت شان همینکه سخنان مورچگان را فهمیده بحیث یک بنده شکرگذار راستین به بارگاه پروردگار خویش دست دعا بلند نموده باین مضمون دعا فرمود: ﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَاٰلِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ۱۹].

ترجمه: «پروردگارا! مرا برآن وادار تا شکر نعمتی را نمایم که بمن و به پدر و مادر من عنایت کردی، و عمل صالحی انجام دهم که مورد رضای تو گردد، و به مرحمت خود مرا در صف بندگان صالح خود قرار ده».

۱۳- حضرت یونس علیه السلام: حضرت یونس علیه السلام در داخل شکم ماهی به دعا و تضرع پرداخته و به پروردگار خویش باین عبارت به عرض نیاز روی می آورد: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الانبیاء: ۸۷].

ترجمه: «نیست معبودی جز تو، پاکی تو، همانا من از جمله ستمگاران بودم».

۱۴- حضرت زکریا علیه السلام: حضرت زکریا علیه السلام زمانی که احساس تنها صورتی می کند از خداوند خویش می خواهد که برایش فرزند صالح و نیکوکار عطا فرماید چنین دعا می کند: ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الانبیاء: ۸۹].

ترجمه: «پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی». و حضرت شان بار دیگر باین مضمون دعا می نماید: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾ [آل عمران: ۳۸]. ترجمه: «ای پروردگار من! تو از جانب خویش بمن فرزند پاکیزه ای ببخش».

۱۵- حضرت محمد صلی الله علیه و آله: جناب سرور کائنات و خلاصه زبده موجودات در چندین جاهای قرآن کریم دعا و تضرع نموده و با پروردگار خویش راز و نیازهای کرده اند از آنجمله:

﴿حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ۱۲۹]. ترجمه: «خداوند مرا بسنده است، جز او معبودی نیست، بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش عظیم». و بار دیگر به خداوند خویش از شر شیطان پناه برده این چنین دعا فرمودند: ﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ [۹۷] وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿۹۸﴾ [المؤمنون: ۹۷-۹۸]. ترجمه:

«پروردگارا! من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌گیرم، ای پروردگار من از (نزدیکی) و حضور (شیطان‌ها) به تو پناه می‌برم».

و نیز از خداوند خویش باین عبارت طلب زیادتی علم و دانش نمودند:

﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۴]. ترجمه: «پروردگارا! بر علم و دانشم بیفزای».

سائر دعا‌های قرآنی

در قرآن مجید دعا‌های زیادی بجز از دعا‌های انبیاء علیهم‌السلام ذکر شده است که می‌توان بطور نمونه از این دعاها یادآوری کرد:

دعای اصحاب کهف:

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ [الکھف: ۱۰].

ترجمه: «ای پروردگارا! از نزد خود رحمتی بر ما ارزانی فرما، و برای ما از (این) مشکل ما راه نجاتی فراهم گردان.»

دعای آسیه زن فرعون:

﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [التحریم: ۱۱]. ترجمه: «پروردگارا! برای من به نزد خود در بهشت خانه‌ای بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده، و مرا از قوم ستمگار نجات ده.»

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۴۷].

ترجمه: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگاران (بیوست) مگردان.»

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل‌عمران: ۸]. ترجمه: «پروردگارا! پس از آنکه ما را هدایت نمودی دل‌های ما را منحرف مگردان، و بما از نزد خود رحمت عنایت فرما، همانا تو و تنها تویی بسیار بخشاینده.» ﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿١٥٠﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٥١﴾ [الممتحنة: ٤-٥].

ترجمه: «پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم، و به تو رو آوردیم، و بسوی تو است بازگشت، پروردگارا! ما را (وسیله) آزمایش کافران مگردان، واقعاً که تو صاحب قدرت (و) با حکمتی.»

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ٢٠١].

ترجمه: «ای پروردگارا! برای ما در دنیا خوبی بده و در آخرت خوبی بده و ما را از عذاب دوزخ رهایی بخش.»

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّتَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَنِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ [آل عمران: ١٩١-١٩٤]. ترجمه: «پروردگارا! اینها (زمین و آسمانها) را بیهوده نیافریده‌ای، پاکی تو، پس ما را از آتش دوزخ نگهدار، پروردگارا! واقعاً هر کسی را که تو به دوزخ درآوری حقا که (او را) رسوا ساختی، و برای ستمگاران هیچ مددگاری نیست، پروردگارا! ما دعوت گری را شنیدیم که بسوی ایمان فرامیخواند، و (می‌گفت:) که به پروردگار خود ایمان آرید، پس ما ایمان آوردیم، پروردگارا! برای ما گناهان ما را بیخس، از ما بدی‌های ما را بریزان و ما را با نیکوکاران بمیران، پروردگارا! چیزی را که (به زبان) پیامبران خود بما وعده کردی

عنایت فرما، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، و تو هیچگاه خلف وعده نمی‌کنی.»

آیه‌های شفا:

منظور از این آیه‌ها این است که لفظ شفا درین آیه‌ها تذکر رفته است و آن‌ها ازین قرار است:

۱- ﴿وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۴]. ترجمه: «دل‌های گروه مسلمان را شفا می‌بخشد.»

۲- ﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [يونس: ۵۷].

ترجمه: «ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگار شما پندی آمده است و شفایی برای آنچه در دل‌ها است و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.»

۳- ﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ﴾ [النحل: ۶۹].

ترجمه: «از شکم آن‌ها (زنبور عسل) نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌شود که در آن شفایی است برای مردم.»

۴- ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: ۸۲].
ترجمه: «و قرآن را که برای مسلمانان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم.»

۵- ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ [الشعراء: ۸۰].

ترجمه: «و زمانی که مریض شوم او (خدا) مرا شفا می‌دهد.»

۶- ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ﴾ [السجدة: ۴۴].

ترجمه: «بگو این (قرآن) برای مؤمنان هدایتی است و شفایی».

احادیث شفا

۱- «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَأْسَ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سَقَمًا»^۱.

«ای بار الها! ای پروردگار مردم! بیماری مرا دور گردان، شفا بده توی شفا دهنده، بجز تو شفا دهنده وجود ندارد، شفایی که بیماری نگذارد».

۲- «بِسْمِ اللَّهِ تُرْبَةُ أَرْضِنَا بِرِيقَةٍ بَعْضُنَا يُشْفَى سَقِيمًا بِإِذْنِ رَبِّنَا»^۲.
«بنام خداوند بوسيله خاک زمين ما، در حالیکه به آب دهان ما آلوده است و باجازه پروردگار ما بیمار ما شفا داده می شود».

۳- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ»^۳.

«بنام الله از هر آنچه اذیت می کند مداویت می نمایم، از شر هر نفس، یا چشم حسود، الله تعالی شفایت می دهد، بنام الله مداویت می کنم».

۴- «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»^۴.
«پناه می برم به الله و قدرت پروردگار از شر آنچه در می یابم و از آنچه

می ترسم».

۱- صحیح بخاری بروایت حضرت عائشه رضی الله عنها ۱ / ۱۷۶.

۲- صحیح بخاری: ۱۷۶۱۰، و صحیح مسلم: ۲۱۹۱، بروایت حضرت عائشه رضی الله عنها.

۳- صحیح مسلم: ۲۱۸۱، بروایت ابی سعید خدری رضی الله عنه.

۴- صحیح مسلم: ۲۲۵۲، بروایت عثمان ابن ابی العاص رضی الله عنه.

۵- «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ»^۱.

«از خداوند بزرگ (و) پروردگار عرش بزرگ می‌طلبم که شفایت دهد».

۶- «لَا بَأْسَ ظَهْرًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۲.

«باکی نیست پاک کننده است اگر خداوند بخواهد». یعنی: این مریضی پاک کننده گناهان است.

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ»^۳.
«بکلمه‌های کامل خداوند پناه می‌برم از شر شیطان‌ها و از زهرهای همه حیوانات و از نظرهای چشم بد همه انسان‌ها».

۱- ابو داود: ۳۱۵۶، و ترمذی: ۲۵۸۴، بروایت عبد الله ابن عباس رضی الله عنه.

۲- صحیح بخاری: ۱۰ / ۱۵۳، بروایت عبد الله بن عباس رضی الله عنه.

۳- صحیح بخاری بروایت عبد الله ابن عباس رضی الله عنه.

استغفار و طلب آمرزش

استغفار از گناه و توبه راستین با رعایت شرائط آن یگانه وسیله محو و نابودی گناهان و معاصی بشمار می‌آید. و این را باید دانست که هیچ کسی جز حضرات انبیاء علیهم‌السلام خالی از گناه نبوده و زمانی که انسان گناه را مرتکب میشود درحال از خداوند استغفار و آمرزش بخواد و باین باور باشد که هیچ پناگهی جز خداوند ندارد، و تنها باید آمرزش گناهان خویش را از او بخواد و از گناه بصدق دل توبه نموده و ندامت و پشیمانی کشد. اما استغفار مجرد بزبان بدون آن که احساس ندامت از قلب به درد و الم معصیت با آن همراه باشد، فائده در بر ندارد. علماء می‌گویند که: توبه از هر معصیت واجب است. اما اگر معصیت درمیان بنده و خدا باشد و به حقوق انسان‌ها ارتباط نداشته باشد سه شرط دارد:

۱- خود را از معصیت و گناه باز دارد.

۲- از انجام دادن آن پشیمان شود.

۳- تصمیم گیرد که دوباره آن را انجام ندهد.

اگر یکی از این شروط موجود نشود توبه‌اش مورد قبول نمی‌افتد، و اگر معصیت به حقوق انسان‌ها تعلق داشته باشد علاوه بر شروط که ذکر شد اینکه از صاحب حق برائت و معافی بخواد. اگر این حق مال و امثال آن باشد به وی باز گرداند. اگر حد کذف و امثال آن باشد وی را قدرت جبران دهد، و یا از او طلب عفو کند و اگر غیبت باشد بخشش طلبد. و لازم است که از همه گناهان توبه کند.

دلایل زیادی در کتاب و سنت و اجماع امت مبنی بر وجوب توبه وجود

دارد، از آنجمله این آیات و احادیث است: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

ترجمه: «و ای مؤمنان همه بسوی خدا توبه کنید تا باشد که رستگار شوید». و می‌فرماید: ﴿وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ [هود: ۳]. ترجمه: «و اینکه از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به او رجوع کنید (توبه نمائید) تا شما را بوجه شائسته‌ای تا موعد معین بهره‌مند گرداند».

و نیز می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ [التحریم: ۸].

ترجمه: «ای مؤمنان بسوی خدا توبه کنید توبه خیرخانه (با احساس پشیمانی) تا باشد که پروردگار شما، گناهان شما را بزداید و شما را به باغستان‌های جای دهد که از زیر (درختان) آن‌ها جویبارها جریان دارد».

و می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳]. ترجمه: «و خداوند هرگز ایشان را عذاب نمی‌کند تا (زمانی که) تو در میان ایشان باشی، و خداوند هرگز ایشان را عذاب نمی‌کند تا (زمانی که) ایشان (از خداوند) آمرزش بخواهند».

از آیه مبارکه دو مسئله استنباط می‌گردد:

۱- تا وقتی که حضرت محمد ﷺ رحمت عالمیان در سرزمین مکه میان کفار قریش موجود بودند خداوند به برکت وجود مبارکشان عذاب خویش را ازین قوم باز داشته بود.

۲- تا زمانی که قومی به خدای خویش توبه و رجوع نماید و از اعمال

ناشائسته خود آمرزش و استغفار بخواهد، خداوند عذاب را بآن قوم نازل نمی‌کند. چون فعلاً آنحضرت ﷺ از میان مردم رحلت فرمودند سپس مانع عذاب خداوند همانا وجود طائفه‌ای از مسلمانان است که از خداوند خویش آمرزش و استغفار می‌جویند.

پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً»^۱. «سوگند به خدا که هر روز بیش از هفتاد بار از خداوند آمرزش می‌طلبم و به بسوی او توبه می‌کنم». و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ مِائَةً مَرَّةً»^۲.

«ای مردم به خدا توبه نمایید زیرا من در هر روزی صد بار به خدا توبه می‌کنم».

و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَغْرُ»^۳. «خداوند توبه بنده را می‌پذیرد تا لحظه‌ای که روحش به حلقومش نرسد».

۱- صحیح بخاری: ۱۱ / ۸۵.

۲- صحیح مسلم شماره حدیث: ۲۷۵۲، بروایت ابن یسار المزنی.

۳- سنن ترمذی: ۲۷۵۶، بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما.

فضیلت تلاوت قرآن مجید

تلاوت قرآن مجید از تمام اوراد و اذکاری که انسان بخواهد ورد خود سازد افضل تر است. زیرا قرآن مجید مشعلی است که نور آن خاموش نمی‌شود، چراغیست که روشنی آن فرو نمی‌نشیند، دریای است که عمق آن از تصور ما بیرون است، کتابی است که حق را از باطل جدا می‌سازد، و شک تردید را از اذهان دور می‌سازد، خواندن و شنیدن آن قلب را صیقل و جلا می‌دهد، و اطمینان و آرامش به انسان می‌بخشد، در مورد تلاوت و فضیلت قرآن مجید احادیث فراوانی از پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ روایت شده است که جای تفصیل آن‌ها درین رساله کوچک امکان‌پذیر نیست درینجا بذکر چند حدیث اکتفاء می‌گردد:

«عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۱.

«از حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت شده که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را می‌آموزد و بدیگران می‌آموزاند.»

«عن أبي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: اقْرَءُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ»^۲. «از حضرت ابو امامه باهلی رضی الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: قرآن را تلاوت کنید زیرا قرآن در روز قیامت برای یارانش (کسانیکه آن را تلاوت کند) شفاعت

۱- صحیح بخاری ۹ / ۶۶.

۲- صحیح مسلم باب فضل القراءة: ۱ / ۵۵۳.

می‌نماید.»

«وعن ابن مسعود رضی الله عنه، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ: أَلَمْ حَرْفٌ، وَلَكِنْ: أَلِفٌ حَرْفٌ، وَلَا مٌ حَرْفٌ، وَمِيمٌ حَرْفٌ»^۱.

«از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که: آن حضرت ﷺ فرمود: کسی که یک حرف از کتاب خدا (قرآن) را بخواند برایش به آن (یک حرف) حسنه است، و حسنه به ده چند آن (یعنی هر حسنه ده چند می‌گردد) من نمی‌گویم که «الم» یک حرف است بلکه الف یک حرف است و لام یک حرف است و میم یک حرف است). یعنی: در تلاوت «الم» برای تلاوت کننده سی ثواب حاصل می‌شود.»

«عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يَقْرُؤُهُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ»^۲.

«از بی بی عایشه رضی الله عنها روایت شده که: آنحضرت ﷺ فرمود: کسیکه قرآن می‌خواند در حالیکه بدان مهارت دارد همراه با فرشته‌های سفیر (بسوی رسول‌ها) فرشته‌های بزرگوار فرمانبردار است. و آنکه قرآن را می‌خواند و در خواندن آن بر وی تکلیف وارد می‌شود، و بر او سختی می‌آید برای او دو مزد است.»

۱- سنن ترمذی: ۲۸۷۷.

۲- صحیح بخاری: ۸ / ۵۳۸، و صحیح مسلم: ۷۹۸.

فضیلت درود گفتن بر پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ

درود فرستادن بر رسول کریم ﷺ در عمر یک مرتبه فرض بوده و در سایر حالات مستحب می‌باشد، مخصوصاً در شبانه روز جمعه که ثواب و فضائل زیادی دارد. قرآن کریم در مورد چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

ترجمه: «همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، پس ای آنانکه ایمان آورده‌اید بر وی درود فرستاده و سلام کنید به سلام گفتنی.»

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ ؓ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَدَّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا^۱». «از عبد الله پسر عمرو بن العاص ؓ روایت شده که او از رسول خدا شنید که می‌فرمود: وقتی که از مؤذن شنیدید: بگوئید مثل آنچه را که می‌گوید، (یعنی به کلمات اذان جواب دهید). بعداً درود بفرستید بمن، زیرا کسی که بمن یکبار درود بفرستد، خداوند بر وی ده بار درود می‌فرستد». مراد از درود فرستادن خداوند بر بنده فرستادن رحمت از جانب خداوند است. «عَنْ أُوسِ بْنِ أُوسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ. قَالَ: فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ؟ قَالَ يَقُولُونَ

بَلِيَّتٍ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ^۱. «از اوس بن اوس رضی الله عنه روایت شده است که: آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: همانا روز جمعه از بهترین روزهای شما است، پس در (آن روز) بر من درود زیاد بفرستید، زیرا درودهای شما بر من عرضه می‌شود، (صحابه) گفتند: ای رسول خدا! چگونه درود ما بر شما عرضه می‌شود درحالیکه استخوان‌هایت پوسیده می‌گردد؟ راوی گفت: صحابه گفتند: استخوان‌هایت پوسیده می‌گردد. آنحضرت فرمود: خداوند جل جلاله اجساد پیامبران را بر زمین حرام گردانیده است). یعنی جسدشان پوسیده نمی‌شود».

از افضل‌ترین درودهاییکه به آنحضرت صلی الله علیه و آله فرستاده شود درود ابراهیمی است که در نماز خوانده می‌شود. زیرا خود جناب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بآن ارشاد فرمودند: و آن عبارت از درودی است که در صحیح بخاری و صحیح مسلم با کمی تفاوت در الفاظشان از درود ابراهیمی که در نماز می‌خوانیم آمده است. حدیث مبارک چنین است: «عن أبي محمد كعب بن عُجْرَةَ رضی الله عنه، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ، فَكَيْفَ نُصَلِّيْ عَلَيْكَ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ»^۲.

«از ابو محمد کعب بن عجره رضی الله عنه روایت شده که گفت: آن حضرت صلی الله علیه و آله بر ما برآمد (یعنی نزد ما آمد) گفتیم ای رسول خدا دانستیم که چگونه بر شما سلام بگوییم، حالا چگونه بر شما درود بفرستیم؟ آنحضرت فرمود: بگوئید:

۱- سنن ابو داود: ۱۵۴۷.

۲- صحیح بخاری: ۸ / ۴۵۹، و صحیح مسلم: ۴۵۶.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ...» ای بار خدایا درود بفرست بر محمد ﷺ و بر آل محمد ﷺ همچنانکه درود فرستادی بر ابراهیم علیهما السلام و بر آل ابراهیم علیهما السلام همانا تو ستوده و با عظمتی. ای بار خدایا برکت بگذار بر محمد ﷺ و بر آل محمد ﷺ چنانکه برکت نهادی بر ابراهیم علیهما السلام و بر آل ابراهیم علیهما السلام همانا تو ستوده و با عظمتی.»

فضیلت اسماء الله تعالی

خواندن اسماء الله تعالی فضیلت زیاد دارد، فضیلت اسماء خداوند عز وجل در قرآن مجید و احادیث گرانبهای آنحضرت صلی الله علیه و آله ثابت گردیده است. از آنجمله این آیه مبارکه است که خداوند می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۖ وَذُرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

ترجمه: «نامهای نیکو از آن خداوند است، پس او را باین (نامها) بخوانید و کسانی را که در نامهای او کجروی می کنند بکنار بگذارید، بزودی ایشان مطابق به کردار خویش جزا داده می شوند». و نیز می فرماید:

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ [الإسراء: ۱۱۰].

ترجمه: «بگو: خدا را بخوانید یا رحمن را بخوانید، هرکدام را بخوانید، نامهای نیکو از آن اوست».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی باین مضمون می فرماید: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لِلَّهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعِينَ اسْمًا مِنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۱.

«از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: برای خداوند نود و نه نام است کسی که آنها را حفظ نماید (یعنی با آنها ایمان داشته

باشد و معانی آن‌ها را بدانند و با اخلاص آن‌ها را بخوانند) به جنت (خداوند) داخل می‌شود».

طریقه خواندن اسماء الله تعالی:

هرگاه که اراده خواندن اسماء الله تعالی را نمایم بدین ترتیب شروع می‌کنیم: «هو الله الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم...» و تا آخرین اسم را می‌خوانیم و حرف آخر اسم را ضمه یعنی (پیش) می‌دهیم، و سپس آن را با اسم بعدی آن وصل می‌کنیم. مثلاً: «اللهُ الرحمنُ الرحيمُ...» و در اثنای خواندن به هر اسمیکه نفس ما کوتاهی کرد توقف می‌نماییم، و سپس آن اسم را با تلفظ به (ال) شروع می‌نماییم: مثلاً می‌گوییم: «الرحمن» و اگر اراده داشته باشیم که نامی از نام‌های خداوند ﷻ را بطور ورد و حفظ بخوانیم، در ابتدای آن لفظ (یا) را اضافه می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: «یا الله، یا حی، یا قیوم» و غیره برای خواندن اسماء الله وقت معین نیست و هرگاه که فرصت داشته باشیم آن‌ها را می‌خوانیم.

اسماء الله تعالی:

«هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعْزِزُ الْمَذِلُّ السَّوِيعُ الْبَصِيرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْغَفُورُ الشَّكُورُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْحَفِيفُ الْمُقِيتُ الْحَسِيبُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ الْوَاسِعُ الْحَكِيمُ الْوَدُودُ الْمَجِيدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيدُ الْحَقُّ الْوَكِيلُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ الْوَلِيُّ

الْحَمِيدُ الْمُخْصِي الْمُبْدِيءُ الْمَعِيدُ الْمُخَيِّ الْمُمِيتُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْوَاحِدُ الْمَاجِدُ
 الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدِّمُ الْمُؤَخِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ
 الْوَالِي الْمُتَعَالِي الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنتَقِمُ الْعَفُوُّ الرَّءُوفُ مَالِكُ الْمُلْكِ ذُو الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ الْمُقْسِطُ الْجَامِعُ الْغَنِيُّ الْمَغْنِيُّ الْمَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الْهَادِي
 الْبَدِيعُ الْبَاقِي الْوَارِثُ الرَّشِيدُ الصَّبُورُ».

ترجمه و شرح اسماء الله تعالی:

چون مفهوم و معانی اسماء الله الحسنى بسیار دقیق است، و حتی بعضی از اسماء الله زیادتر از یک معنی را افاده می‌کند. ازینرو لازم دیده شد که جهت ترجمه و شرح اسماء الله تعالی به کتب معتبره تفسیر مراجعه شود. بناء بنده در رابطه به موضوع به تفسیر (جلالین) تألیف علامه جلال الدین محلی و علامه جلال الدین سیوطی و تفسیر «فتح القدير» امام شوکانی و کتاب «اسماء الله في القرآن» تألیف استاذ محمد صالح علی المصطفی مراجعه نموده و مطابق به آن اسماء الله را ترجمه و شرح نمودم. و شمارش اسماء الله و اینکه هر اسمی از اسماء خداوند ﷻ چند مرتبه در قرآن مجید تذکر گردیده است. نیز بیان کرده‌ام. درینجا نود و نه نام خداوند ﷻ طوریکه در حدیث مبارک از آنحضرت ﷺ شنیده شده است برایتان تحریر می‌گردد.

۱- الله: (معبود برحق و اسم ذات پروردگار عالم) نام الله (۹۸۵) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است که از آن جمله پنج مرتبه به صیغه «اللهم» آمده است.

۲- الرحمن: (بی‌اندازه و بی‌نهایت مهربان، و دارای بخشایش فراخ) صفت مشابه است که برای مبالغه استعمال می‌شود و از (رحیم) عامتر

- است. که مؤمن، وکافر، نیکوکار و بدکار را شامل می‌شود. و (۵۷) مرتبه از آن در قرآن مجید تذکر رفته است.
- ۳- الرحیم: (بسیار مهربان، بخشاینده) صفت مشبه است. اشاره به رحمت خاص پروردگار دارد که مخصوص بندگان مؤمن است. و (۹۴) مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده است.
- ۴- الملك: (صاحب ملک، پادشاه حقیقی، فرمانروا، فرمانروا بر همه مخلوقات) و (۱۰) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۵- القدوس: (نهایت پاک و منزّه از هر عیب و نقص) صیغه مبالغه است و (۲) مرتبه در قرآن تکرار شده است.
- ۶- السلام: (سالم از هر عیب و نقص، آرامش بخش، ایمن کننده، عافیت دهنده از هر آفت دنیوی و اخروی، و پاک و منزّه). و یک (۱) مرتبه در قرآن مجید ذکر گردیده است.
- ۷- المؤمن: (راست کننده وعده‌اش برای مخلوقاتش، امان دهنده‌شان از عذاب خویش، نگهدار ایمان، آنکه بندگانش در جوار حمایت او در امان هستند و تصدیق کننده). اسم فاعل است و یک (۱) مرتبه در قرآن کریم از آن تذکر رفته است.
- ۸- المهیمن: (مسیطر و مراقب بر بندگان خویش، نگاهدارنده، باشکوه، دارای رازها، گواه بر اعمال و گفتار بندگان). و یک (۱) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۹- العزیز: (غالب بر همه اشیاء، برتر، ارجمند پرتوان، نیرومند، چیره). و (۹۲) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.

۱۰- الجبار: (بسیار با عظمت و باشکوه، جبیره کننده کمی‌ها و کمبودی‌ها، جاری کننده اوامر خویش، اصلاح کننده کارهای بندگان، قاهر و مسلط بر همه کس و همه چیز). و یک (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۱۱- المتکبر: (صاحب عظمت و بزرگی، برتر از صفات خلق، و برتر از هر نقص و هر چیزیکه لایق و سزاوار ذاتش نیست). اسم فاعل است. بنابراین اگر خداوند عز وجل باین صفت یعنی «المتکبر» صفت شود مدح گفته می‌شود، و اگر غیر او تعالی از مخلوقات باین صفت متصف گردند برای‌شان ذم و عیب است. این اسم یک (۱) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

۱۲- الخالق: (آفریننده، آفریدگار بندگان، اندازه کننده امور). اسم فاعل است. و (۱۱) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

۱۳- الباری: (پدید آورنده مخلوقات از عدم، و ایجاد کننده اشیاء). اسم فاعل است در قرآن کریم (۳) مرتبه تذکر یافته است.

۱۴- المصور: (ایجاد کننده صورت‌ها، صورت بخش، پدید آورنده صورت‌های مختلف، آنکه به هر چیز صورتی می‌دهد که او را از دیگران جدا می‌سازد). و یک (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۱۵- الغفار: (بسیار آمرزنده، پوشاننده عیوب و گناهان بندگان). صیغه مبالغه (الغافر) است. و ده (۱۰) بار در قرآن کریم ذکر گردیده است.

۱۶- القهار: (بسیار با قهر و غلبه که هیچ کس توان مقابله را به او ندارد، توانا، مستولی بر جمیع موجودات، قهرکننده بر ستمگاران). صیغه مبالغه «القاهر» است. و (۶) بار در قرآن مجید تکرار شده است.

۱۷- الوهاب: (بسیار بخشاینده، بخشش گر، آنکه پیوسته بخشش می‌نماید و بر بندگان احسان می‌کند و در اعطاء و بخشش خویش از کسی عوض نمی‌خواهد). صیغه مبالغه «الوهاب» است. و (۳) مرتبه در قرآن کریم آمده است.

۱۸- الرزاق: (بسیار روزی دهنده، روزی بخش، آفریننده روزی و آفریننده اسباب آن). صیغه مبالغه (الرازق) است. و (۵) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۱۹- الفاتح: (بسیار گشایشگر، داور به حق و حقیقت، حکم کننده، آنکه گنجینه‌های رحمتش را به بندگان می‌گشاید). صیغه مبالغه (الفاتح) است. و یک (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۲۰- العليم: (عالم به همه اشیاء و دارای علم وسیع، دانای رازها، آنکه همه چیزها را می‌داند و چیزی از علم او نهان نیست). صیغه مبالغه (العالم) است. و (۱۳۵) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۲۱- القابض: (کم کننده روزی از کسیکه بخواهد روزی وی را کم نماید، قبض کننده جان‌ها و روح‌ها). اسم فاعل است و در حدیث نبوی شریف این اسم برای خداوند ﷻ نسبت داده شده است.

۲۲- الباسط: (فراخ کننده روزی برای کسیکه بخواهد). اسم فاعل است و در حدیث شریف این اسم به خداوند نسبت داده شده است.

۲۳- الخافض: (پست کننده، و آنکه پست میکند، مقام کسی را که سزوار پستی و ذلت است). اسم فاعل و در حدیث شریف آمده است.

۲۴- الرافع: (بلند کننده درجات بندگان و چیزهای دیگر، آنکه مقام متقیان را بلند می‌برد). اسم فاعل و یک (۱) مرتبه در قرآن کریم

ذکر شده است.

۲۵- المُعِز: (عزت دهنده، آنکه دوستانش را عزیز می‌کند و ایشان را نصرت و یاری می‌دهد). اسم فاعل و در حدیث شریف ذکر گردیده است.

۲۶- المُذِل: ذلیل کننده، آنکه دشمنانش را خوار و ذلیل می‌کند). اسم فاعل است و در حدیث شریف بیان شده است.

۲۷- السَّمِيع: (شنونده همه صوت‌ها و آوازه‌ها) صیغه مبالغه «السامع» است. و (۴۵) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.

۲۸- البصير: (بینا و بیننده همه چیزها، بینای پنهان و آشکار). صفت مشبه است و بمعنای اسم فاعل می‌آید و (۳) بار در قرآن مجید ذکر شده است.

۲۹- الحکم: (حاکم مطلق، داور، داور و حاکمی که هیچکس نمی‌تواند قضایش را رد کند و یا حکم او را بر گرداند). صیغه مبالغه «الحاکم» است، و (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۳۰- العدل: (عدل کننده، با عدل و انصاف، کامل العدل، آنکه در عدالتش در اوج کمال قرار دارد). این اسم در حدیث شریف آمده است.

۳۱- اللطيف: (بی نهایت لطیف و مهربان، زیاد دقیق بین و مطلع به همهٔ امور، نیکی کننده به بندگان). صفت مشبه است و (۷) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

۳۲- الخبير: (آگاه و با خبر به حقایق اشیاء و چیزهای دقیق، آگاه بر نهانها و ضمائر و اندیشه‌ها). صیغه مبالغه بمعنی اسم فاعل است. و

(۴۲) مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است.

۳۳- الحليم: (بسیار بردبار و باحلم، بردبار بر ادامه دادن روزی بندگان خطا کار، آنکه خشمش به زودی برنمی‌انگیزد و دست به مجازات نمی‌زند). صفت مشابه است و (۱۱) بار در قرآن کریم تکرار گردیده است.

۳۴- العظيم: (بسیار بزرگ و بزرگ‌تر از همه چیزها، و بزرگ‌تر از وهم و ادراک و اندیشه، آنکه بواسطه متصف بودنش به صفات جلال و کمال به بلندترین مرتبه بزرگی قرار دارد). صفت مشابه است و (۸) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۳۵- الغفور: (خیلی آمرزنده و پوشنده زشتی‌ها) صیغه مبالغه (الغافر) است. در قرآن کریم (۹۱) مرتبه ذکر شده است.

۳۶- الشکور: (بسیار شکر گذار و قدردان، پاداش دهنده بسیار در برابر اطاعت و خدمت). صیغه مبالغه «الشاکر» است. و (۴) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

۳۷- العلی: (بلند مرتبه، آنکه به بلندترین مرتبه رسیده که عقل از تصور و فهم درک آن عاجز است). صفت مشابه است و (۸) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

۳۸- الکبیر: (بزرگوار، با جلال و جبروت، بزرگتر از حد و وصف، آنکه عقل‌ها و حواس‌ها از درک او ناتوان‌اند). صفت مشابه است و ده (۱۰) بار در قرآن مجید ذکر گردیده است.

۳۹- الحفیظ: (حافظ و نگهبان همه موجودات از خلل و اضطراب، نگهدارنده اعمال بندگان از حبطه و ضیاع شدن). صیغه مبالغه (الحافظ) است. و (۳) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۴۰- المقیت: (نگهبان، حافظ، توانا، قوت دهنده، آفریننده غذای مادی و روحی). اسم فاعل است و (۱) بار در قرآن مجید آمده است.

۴۱- الحسیب: (حسابگر کردار و رفتار و حالات و اندیشه مخلوقات، حساب کننده و حسابرس). صفت مشبهه است و بمعنی اسم فاعل می‌آید، و (۳) بار در قرآن مجید تکرار شده است.

۴۲- الجلیل: (عالی مرتبه، بزرگ، آنکه بواسطه کمال صفاتش دارنده صفات جلال است). صفت مشبهه است و در حدیث شریف آمده است.

۴۳- الکریم: (صاحب کرم و جود، آنکه بدون درخواست و عوض می‌دهد). صفت مشبهه است و (۳) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۴۴- الرقیب: (نگهبان، و پاسدار، و مشاهد احوال، نگاهدارنده مخلوقات در همه حال). صفت مشبهه و بمعنی فاعل است. و (۳) بار در قرآن تکرار گردیده است.

۴۵- المجیب: (اجابت کننده دعای بندگان و قبول کننده اعمال صالحه‌شان، روا دارنده، و برآورنده حاجات). اسم فاعل است و (۲) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۴۶- الواسع: (محیط بر همه چیز، صاحب وسعت و فضل و گشائش، روزی دهنده، آنکه رحمت و فضلش به همه می‌رسد). اسم فاعل فعل لازم است. و (۶) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

- ۴۷- الحکیم: (دانا، کامل در حکمت و خرد، صیغه مبالغه اسم فاعل (الحاکم) است و (۹۴) دفعه در قرآن مجید ذکر گردیده است.
- ۴۸- الودود: (دوستدار، مهربان، دوستدار بندگان مطیع مسلمان، آنکه برای بندگانش خیر خواه است و در همه احوال برایشان نیکی میکند). صیغه مبالغه (الواد) است. و (۲) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.
- ۴۹- المجید: (دارای جود و کرم و بزرگی، برتر، و منزه از زمان و مکان، آنکه در اوج شرف و بزرگی قرار دارد). صیغه مبالغه (الماجد) است و در قرآن کریم (۱) بار ذکر شده است.
- ۵۰- الباعث: (زنده کننده مردگان، فرستنده پیامبران، برانگیزنده همت‌ها) اسم فاعل بوده و در حدیث شریف آمده است.
- ۵۱- الشهید: (گواه و حاضر، بیننده آگاه برهر چیز اندک و بسیار و نهان و آشکار). صیغه مبالغه (الشاهد) اسم فاعل است. و (۲۰) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۵۲- الحق: (ذات برحق، ثابت و لایزال، راست و درست، سزاوار). فاعل (الحاق) بوده و (۱۰) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۵۳- الوکیل: (کارساز، مددگار، حامی، آنکه همه امور به او تفویض می‌گردد، مرجع همه کارها و نیازهای بندگان). صفت مشبهه بوده و (۱۳) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۵۴- القوی: (نیرومند، توانا بر همه چیز، دارای قدرت کامل، توانای دهنده). صفت مشبهه بوده و (۹) بار در قرآن مجید ذکر شده است. و اما «ذو القوة» که بمعنی: دارای قوت و توانایی می‌آید موصوف به آن

اندازه از توانای است که هیچ ضعف و ناتوانی بر وی عارض نمی‌گردد) و یک بار در قرآن مجید ذکر گردیده است.

۵۵- المتمین: (استوار، محکم، دارای متانت کامل، آنکه در نهایت محکمی و استواری قرار دارد). صفت مشابه است و (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۵۶- الوالی: (یار و دوست، نگهدار، سرپرست کارهای بندگان) صیغه مبالغه «الوالی» است و (۲۹) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۵۷- الحمید: (ستوده شده، سزاوار ستایش، شایسته سپاس). صیغه مبالغه «الحماد» است و بمعنی اسم مفعول می‌آید و (۱۶) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۵۸- المحصی: (شمارنده، آنکه هر چیز را به علم خویش می‌شمارد و هیچ چیزی از ساحه شمارش او خارج نمی‌ماند). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف آمده است.

۵۹- المبدئ: (ایجاد کننده هستی از نیستی، از اول و ابتداء آفریدگار). اسم فاعل است. و در حدیث شریف این اسم برای خداوند عز وجل ثابت شده است.

۶۰- المعید: (بازپرس کننده مرده‌ها و چیزهای دیگر). اسم فاعل است و در حدیث نبوی شریف از آن تذکر بعمل آمده است.

۶۱- المحیی: (زنده کننده، پدیدآورنده زندگی در هر موجود زنده). صیغه مبالغه اسم فاعل است. و (۲) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.

۶۲- الممیت: (میراننده، گیرنده زندگی از موجودات جاندار). صیغه اسم فاعل بوده و در حدیث شریف آمده است.

۶۳- الحی: (زنده و جاودان، زنده ابدی ایکه هیچ فنا بر آن عارض نمی‌گردد) صفت مشبه است. و (۱۵) بار در قرآنکریم تکرار شده است.

۶۴- القیوم: (پای دار، بی‌زوال، پاینده بذات خود، و برپادارنده جهان هستی، تدبیر کننده امور بندگان و نگهبان آن‌ها). صیغه مبالغه است و (۳) بار در قرآنکریم تکرار شده است.

۶۵- الواجد: (پدید آرنده، آنکه هر چه را بخواهد می‌یابد، یا بنده همه چیزها). صیغه اسم فاعل است که در حدیث شریف آمده است.

۶۶- الهاجد: (بزرگ، آنکه در اوج شرف و بزرگی قرار دارد). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف ذکر شده است.

۶۷- الواحد الأحد: یگانه، یکتا، آفریدگار یکتا، یگانه و یکتا (در ذات و صفات خود). اولی: «الواحد» اسم فاعل است و (۲۲) بار در قرآنکریم تکرار شده است. و دومی: «الأحد» صفت مشبه است و (۱) بار در قرآن مجید ذکر شده است.

۶۸- الصمد: (غنی بی‌نیاز، آنکه تنها در بجا آوردن حاجات و مقاصد خوانده می‌شود، جاوید، پناه گاه نیازمندان). صفت مشبه است و (۱) بار در قرآنکریم ذکر شده است.

۶۹- القادر: (توانا، و باقدرت، محیط بر همه موجودات). اسم فاعل است و از (قدر) فعل لازمی گرفته شده و (۱۲) بار در قرآن مجید تکرار

گردیده است.

۷۰- المقتدر: (توانا، دارای قدرت و سلطه کامل بر همه اشياء) اسم فاعل بوده و از «اقتدار» گرفته شده و (۴) بار در قرآنکریم تکرار شده است.

۷۱- المقدم: (پیش کننده، جلو برنده، آنکه در ساحه هستی برخی از موجودات را شرف و مقام و یا در زمان و یا در مکان بر برخی دیگر مقدم می‌دارد). اسم فاعل است و در حدیث شریف ذکر شده است.

۷۲- المؤخر: (پس کننده، بر عکس نام پیشتر که (مقدم) است. اسم فاعل بوده این اسم برای خداوند عز وجل در حدیث شریف ثابت گردیده است.

۷۳- الأول: (اول و نخست همه چیز، آنکه همیشه بوده است). صفت مشبه است و (۱) بار در قرآنکریم تکرار شده است.

۷۴- الآخر: (پایان همه چیز، به عکس (الأول) آنکه پس از همه کائنات پاینده است). اسم فاعل بوده و (۱) بار در قرآن مجید نام برده شده است.

۷۵- الظاهر: (ظاهر و آشکار، پیدا و نمایان، آنکه با نشانه‌ها و علامات وجود خویش را نمایان ساخته است). اسم فاعل است و (۱) بار در قرآنکریم ذکر شده است.

۷۶- الباطن: (نهان و پوشیده به عکس «الظاهر» آنکه ذاتش از دیده‌ها و اوهام پوشیده است). اسم فاعل است و (۱) بار در قرآن حمید ذکر گردیده است.

- ۷۷- الوالی: (باری دهنده، دوستدار، متصرف، مالک و متصرف اشیاء). اسم فاعل است و (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۷۸- المتعالی: (از همه برتر و عالیتز، بلند پایه، بزرگوار، پاکیزه از نقصها). اسم فاعل است و یک (۱) بار در قرآن مجید ذکر شده است.
- ۷۹- البر: (نیکوکار، آنکه بسیار نیکوکار است و احسان او فزاینده). و «البار» اسم فاعل موصوف به بر است و یک (۱) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
- ۸۰- الثواب: (بسیار توبه پذیر، بخشایشگر، آنکه برای گنهگاران توفیق توبه می‌دهد و سپس توبه‌شان را می‌پذیرد). صیغه مبالغه «التائب» است. و (۱۱) بار در قرآن مجید تکرار شده است.
- ۸۱- المنتقم: (انتقام گیرنده از بدکاران، جزا دهنده، اسم فاعل است و (۳) مرتبه در قرآن کریم از آن تذکر بمیان آمده است.
- ۸۲- العفو: (عفو کننده خطاها و گناهان بندگان، بخشاینده، بسیار با گذشت، محو کننده گناهان کسیکه بوی رجوع می‌کند). صیغه مبالغه «العافی» است و (۵) بار در قرآن کریم تکرار شده است.
- ۸۳- الرؤوف: (زیاد مشفق و مهربان، بخشاینده و پرمهر و عطوفت). صیغه مبالغه «الرائف» بوده و (۷) مرتبه در قرآن مجید تکرار گردیده است.
- ۸۴- مالک الملك: (مالک و متصرف همه کائنات و موجودات، فرمان روایی بی‌چون و چرای هستی، توانا بر جباران و گردنکشان). در

قرآن مجید تحت این عنوان سه اسم از اسماء خداوند ذکر شده
«الملک» (۵) بار و «الملیک» (۱) بار و «الهاک» (۲) بار.

۸۵- ذو الجلال والإکرام: (خداوند بزرگی و ارجمندی، بخشنده نعمت‌ها). «ذوالجلال» (۲) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۸۶- المقسط: (عادل، دادگستر، آنکه بعدل خویش حق مظلومان را از ظالمان می‌گیرد). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف آمده است.

۸۷- الجامع: (دارای تمام صفات کمال، آنکه حقایق مختلف و پراکنده را جمع می‌کند، آنکه در روز قیامت همه مردم را جمع می‌کند). اسم فاعل بوده. و (۲) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

۸۸- الغنی: (بی نیاز، بی نیاز از هر چیز و هرکس در هر حال و در همه اوقات در حالیکه همه موجودات به او نیازمندند). صفت مشبه است و (۱۸) بار در قرآن کریم ذکر شده است.

۸۹- الْمُغْنِي: (بی نیاز کننده). صیغه اسم فاعل است. در حدیث شریف آمده است.

۹۰- المناع: (بازدارنده، آنکه اسباب هلاکت و نابودی را باز می‌دارد). اسم فاعل است و در حدیث شریف ذکر شده است.

۹۱- الضار: (ضرر رسان، آنکه عذابش را بر دشمنانش فرو می‌فرستد). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف از آن تذکر رفته است.

۹۲- النافع: (فائده رساننده، آنکه نیکی و احسان او تمام بنده‌ها و سرزمین‌ها را فرا گرفته است). صیغه اسم فاعل است، و این اسم مبارک در حدیث شریف آمده است.

۹۳- النور: (نور کامل و مطلق، آنکه خود بذاته آشکار و آشکار کننده غیر خود است). و بمعنی فاعلی «منور» روشن کننده. و در قرآن کریم در آیه (۳۵) سوره نور باین مضمون آمده است: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [النور: ۳۵].

۹۴- الهادی: (هدایت گر، راهنما، پیدا کننده راهبر، آنکه هر موجود را به اموری رهنمونی کرده حافظ و نگهبان موجودات است). اسم فاعل و (۲) بار در قرآن کریم از آن تذکر بعمل آمده است.

۹۵- البدیع: (پدید آورنده از نیستی، ایجاد کننده آسمان‌ها و زمین و سایر موجودات بدون نمونه و مثال قبلی آنکه مثل و مانندی ندارد) صیغه مبالغه است و (۲) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

۹۶- الباقي: (پاینده، آنکه همیشه است، ذاتیکه بقایش متکی بخودش می‌باشد). اسم فاعل است و در حدیث شریف آمده است.

۹۷- الوارث: (ارث برنده، باز ستاننده ابدی، باقی پس از فنای موجودات، میراث بر همه اشیاء). اسم فاعل بوده و (۳) بار در قرآن حمید تکرار گردیده است.

۹۸- الرشید: (راهنما، هدایت گر، راهنمای بندگان، آنکه کارهایش مطابق حکمت به پیش می‌رود و به اهدافش می‌رسد). صفت مشبه بوده و در حدیث شریف ثابت شده است.

۹۹- الصبور: (باحوصله، استوار، دارای تحمل و صبر، آنکه در مجازات

بنده گانش شتاب نمی‌کند، آنکه هیچ چیز را پیش از وقتش پدید نمی‌آورد). صیغه مبالغه «الصابر» است. و در حدیث مبارک این اسم به خداوند ﷻ نسبت داده شده است.

این نود و نه (۹۹) نام که در حدیث مبارک از آن‌ها تذکر گردیده و همراه با معانی و شرح مختصری بیان شد. تمام نام‌های خداوند نبوده بلکه نام‌ها و صفات دیگری نیز برای خداوند ﷻ در احادیث بیان شده است از آنجمله این نام‌های مبارک در حدیثی آمده است.

«الحنان» بسیار مشفق و مهربان. «المنان» بسیار احسان کننده، «المغیث» فریادرس. «الکفیل» ضامن. «ذوالطول» بی‌نیاز، توانگر و برتر، «ذوالفضل» دارای فضل و بخشش، «الخلاق» بسیار آفریننده.

از احصای گیری ایکه در زمینه اسماء الله تعالی در قرآن مجید صورت گرفته است تعداد اسماء الله تنها در قرآن مجید به (۱۶۶) اسم رسیده است.^۱

اما تعداد همه اسماء الله بسیار زیاد است. ابو بکر ابن العربی در شرح سنن ترمذی از برخی اهل علم حکایت نموده که او از قرآن مجید و احادیث شریف هزار نام (۱۰۰۰) از نام‌های خداوند را جمع نموده است.

خواص اسماء الله تعالی:

بعضی از مردم خواص و اسرار زیادی برای نام‌های خداوند ﷻ ذکر نموده‌اند و عده‌ای از ایشان به شرح و خواص اسماء الله بگونه‌ای تفصیل وار پرداخته و برای هر نام از نام‌های خداوند خواص و اسرار بخصوصی ارائه

۱- اسماء الله في القرآن: ص ۱۱-۱۲ تألیف الأستاذ الدكتور محمد صالح علی مصطفی.

داده‌اند. بطور مثال: در «الجبّار» چنین نوشته است: هر که این اسم را بر انگشتر نقره کند و بپوشد هیبت و شوکت او بر مردم اثر اندازد، هر کس روزانه صبح و شام (۲۲۶) بار ورد کند این شاءالله از قهر و شر ظالمان نجات یابد.^۱ و برخی از ایشان به حدی غلو و افراط نموده‌اند که برای هر نام از نام‌های خداوند خادم روحانی قائل گردیده و معتقدند که این خادم روحانی بخدمت همان کسی که آن اسم را ورد خود می‌سازد و به ذکر آن می‌پردازد قیام می‌کند و همیشه در خدمت آن می‌باشد. درین شکی نیست که اسماء الله خواص و فضائل زیادی دارد و در خواندن آن‌ها ثواب زیادی عاید حال خواننده می‌گردد. و خواندن اسماء الله تعالی قلب انسان را صفا و نورانیت می‌بخشد و بمرتبه و معنویت وی می‌فزاید بویژه که خواننده معانی و مفاهیم اسماء الله را بداند و با حضور قلب و اخلاص کامل به خواندن اسماء الله تعالی بپردازد.

اما این را باید بدانیم که مصدر هر عمل و کردار بندهٔ مسلمان قرآن مجید و احادیث گرانبهای آنحضرت ﷺ می‌باشد. و هر عملیکه مطابق به ارشادات قرآن و احادیث نبوی انجام داده شود اجر و پاداش دارد و در غیر آن هیچ ثوابی در آن عمل مرتب نمی‌باشد. بناء چیزهای را که بعضی از نویسندگان در شرح و خواص اسماء الله ارائه داده‌اند در واقع بیش از یک نوع غلو و افراط چیز دیگری نیست. دین اسلام پیروان خود را از غلو و افراط باز داشته است، زیرا این گفته‌ها نه در قرآن مجید و نه هم در احادیث شریف آمده است. دین اسلام همواره پیروان خود را به اطاعت و فرمانبرداری قرآن و احادیث گرانبهای آنحضرت ﷺ دستور داده صلاح و بهبودی هر فرد مسلمان را تنها و تنها در پیروی از قرآن و احادیث نبوی ﷺ می‌داند چنانچه

می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۱۷].

ترجمه: «آنچه را پیامبر برای شما می‌دهد بگیرید و از آنچه شما را منع می‌کند منصرف شوید».

و می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

ترجمه: «بگو: اگر شما خداوند را دوست دارید پس مرا پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد، خداوند آمرزنده و مهربان است».

و می فرماید: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ﴾ [آل عمران: ۳۲]. ترجمه: «بگو: خدا و رسول او را فرمان برید پس اگر ایشان روی گرانیدند (در آن صورت) خداوند کافران را دوست ندارد».

و پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی می فرماید: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ». «در میان شما دو چیز را (بعد از خود) گذاشتم شما تا زمانی که باین دو چنگ زنید (عمل کنید) گمراه نمی‌شوید، آن‌ها عبارت از کتاب خدا (قرآن) و سنت (احادیث) من است».

علامه اقبال شاعر مشرق درین باره چه خوب گفته است:

گرهمی خواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جز به قرآن زیستن

شیخ معرفت سعدی رحمته چنین می گوید:

محال است سعدی که راه صفا توان رفت جز در پی مصطفی

اسم اعظم خداوند ﷻ

اسم اعظم خداوند در احادیث فراوانی آمده است. از آن جمله این احادیث است: «عن بُرَيْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ رَجُلًا يَدْعُو وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ. قَالَ: فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ سَأَلَ اللَّهُ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ»^۱.

«بریده اسلمی رضی از پدرش روایت کرده می گوید: پیامبر ﷺ از مردی شنید که دعا می کرد و می گفت: ای بار الها! من از تو سوال می کنم باینکه تنها تو الله یی، نیست هیچ معبود بحق جز تو، خداوند یکتا و یگانه ای و بی نیازی، ذاتی که نه کسی را زاده و نه هم از کسی زاده شده است و برای او شبیه و مانندی نیست. راوی می گوید: آن حضرت ﷺ فرمود: سوگند به ذاتیکه جانم در ید اوست همانا او خدا را به اسم اعظم او سوال نموده است، چنان اسم اعظمی که اگر بآن دعا شود اجابت گردد و گر بآن سوال شود داده شود».

«عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ رَجُلًا يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ الْمَتَّانُ بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

۱- سنن ابو داود: ۱۴۹۳، و سنن ترمذی: ۳۴۷۵، و سنن ابن ماجه: ۳۸۵۷، و مسند امام

احمد: ۳۱ / ۵ و مستدرک حاکم: ۱ / ۵۰۴.

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فَقَالَ: «لَقَدْ سَأَلَ اللَّهُ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ»^۱.

«از حضرت انس ابن مالک رضی اللہ عنہ روایت شده که گفت: شنید رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم از شخصی که می گفت: (در دعای نماز) ای بار الها! من از تو سوال می کنم، باینکه (همه) ثناها و ستایش از آن توست. نیست معبودی به جز تو، تویی بسیار بخشاینده مهربان و نیکویی کننده، ایجاد گر آسمان ها و زمین، صاحب بزرگی و احترام، ای ذات زنده و خود پاینده، از تو سوال می کنم، آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: او خدا را باسم اعظم او سوال نموده است چنان اسم اعظم که اگر به آن سوال شود داده شود و اگر به آن دعا شود اجابت گردد».

«عن أسماء بنت یزید : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: ﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۶۳]. وَفَاتِحَةُ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ: ﴿الْمَ ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۝﴾ [آل عمران: ۱-۲].^۲

«از اسماء بنت یزید رضی اللہ عنہا روایت شده است که پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: اسم اعظم خداوند درین دو آیت است. یکی آیه: ۱۶۴ ﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۶۳]. دومی آیه اول سور آل عمران: ﴿الْمَ ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۝﴾ [آل عمران: ۱-۲].

«عن سعد بن مالک رضی اللہ عنہ قال: سمعت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم يقول: هل أدلكم على اسم الله الأعظم الذي إذا دعي به أجاب وإذا سئل به أعطى؟ الدعوة التي دعا

۱- مشکاة المصابيح: ۲ / ۲۰۸، نقل از سنن ترمذی، ابوداود، نسائی، و ابن ماجه.

۲- مشکاة المصابيح: ۲ / ۲۰۹، بنقل از سنن ترمذی، ابوداود، و ابن ماجه.

بها یونس حیث ناداه فی الظلمات الثلاث، لا إله إلا أنت سبحانک إنی كنت من الظالمین. فقال رجل: یا رسول الله ﷺ هل كانت لیونس خاصة أم للمؤمنین عامة؟ فقال رسول الله ﷺ: «ألا تسمع قول الله ﷻ ﴿وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّی الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنبیاء: ۸۸]»^۱.

«از حضرت سعد بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرمود: آیا شما را باسم اعظم خداوند رهنمایی کنم؟ اسم اعظم که اگر به آن دعا کرده شود اجابت گردد و اگر به آن سوال کرده شود داده شود، دعایی که یونس علیه السلام به آن در تاریکی های سه گانه دعا نمود: (نیست معبود بحق جز تو، پاکی تو، ای بار الها! همانا من از زمره ستمگاران بودم) مردی گفت: ای رسول خدا! آیا این دعا خاص برای یونس علیه السلام بود؟ ویا برای همه مؤمنان؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آیا این فرموده خداوند جل جلاله را نشیده ای که فرمود است: «او را ازین تنگنا نجات دادیم و این چنین مؤمنان را نجات می دهیم» (یعنی این دعا برای عموم مسلمانان است).»

هنگامیکه ما درین احادیث و احادیث دیگری درین مورد آمده است تأمل و فکر کنیم می بینیم که اسم اعظم خداوند بگونه خاصی تعیین نشده است بلکه در غالب الفاظ احادیث متذکره درج است. بنابراین دعا کردن باین احادیث دعا به اسم اعظم خداوند می باشد.

خلاصه سخن زمانی که ما احادیث مربوط به اسم اعظم خداوند را تحت مطالعه قرار می دهیم باین نتیجه می رسیم که:

۱- اسم اعظم خداوند بالذات تعیین نشده است، ازین رو علماء در مورد تعیین آن آراء متعددی را ارائه داده اند.

۲- از احادیث مربوط به موضوع در می‌یابیم که اسم اعظم خداوند دعایی است ترکیب شده از چندین نام از نام‌های خداوند که هرگاه بنده مسلمان خداوند عز و جل به آن نام‌ها بخواند با موجودیت شرایط دعا، دعایش به اجابت می‌رسد.

احادیث متذکره بمثابه رد و انکار سخنان عده‌ای از آن مردمی است که ادعا دارند باینکه اسم اعظم خداوند سری است از اسرار و رازی است نهفته که برخی از مردم بآن علم دارند که بوسیله آن امور پیچیده را می‌گشایند و کارهای خلاف عادت را انجام می‌دهند و با ایشان خواص و اسراری داده شده که دیگران از داشتن آن خواص محروم‌اند. اگر ما بدقت تمام در این مسئله و همانند آن از مسایل اسلامی فکر کنیم می‌دانیم که نه تنها اسم اعظم خداوند تعیین نشده است بلکه مسایل دیگری هم وجود دارد که در تعیین دقیق آن‌ها اختلاف نظر موجود است. بطور مثال: شب قدر ازین جهت مخفی شده است تا مردم بمنظور دریافت آن، شب‌های زیادی را به عبادت و بندگی خداوند سپری نمایند و تنها به عبادت یک شب اکتفاء نکنند. همانگونه ساعت اجابت دعا در روز جمعه پنهان گردیده تا مردم در روز جمعه به دعا و تضرع به پردازند، و رضای خداوند در میان انواع معاصی پنهان گردیده تا مسلمانان همیشه آمادگی به مرگ را داشته باشند. به همان گونه اسم اعظم خداوند در میان اسماء الله تعالی مخفی گردیده تا خداوند را به همه اسماء آن یاد کنند و به آن‌ها دعا نمایند.

اوراد و اذکار صبح و شام

ذکر پروردگار در هر وقت قلب را صیقل و صفا داده و روح را سکون و آرامش می‌بخشد بالأخص در اول روز که بندهٔ مسلمان عمل روز مره خویش را به ثناء و ستایش پروردگار آغاز نماید و آخر روز عملش را به ذکر و یاد خداوند ﷻ خاتمه دهد. چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحُ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [ال عمران: ۴۱].

ترجمه: «و پروردگارت را بسیار یاد کن، و در شام و صبح به ستایش پروردگار خویش پرداز». و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ [الأنعام: ۵۲].

ترجمه: «و کسانی را که صبح و شام پروردگار خویش را می‌خوانند، و رضای او را می‌طلبند (از خود) دور مدار». و نیز خداوند ﷻ فرموده:

﴿وَأَسْتَغْفِرُ لَذُنُوبِكَ وَسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [غافر: ۵۵].

ترجمه: «و برای گناهان خویش آمرزش بخواه، و صبح و شام پروردگار خویش را (بیایی) ستایش کن».

اوراد و اذکاریکه از طرف صبح و شام خوانده می‌شود در احادیث شریف فضائل و خواص آن‌ها ذکر گردیده است. این اوراد دارای دو بخش می‌باشد:

بخش قرآنی:

این بخش دسته‌ای از آیات قرآنی است که در احادیث فضائل تلاوت آن‌ها باثبات رسیده است. باینمعنی که یا خود پیامبر اسلام ﷺ این آیات را تلاوت نموده، و یا حضرات صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین را به تلاوت آیات مبارکه ترغیب و تشویق نموده‌اند. بنابر این، تلاوت این دسته از آیات علاوه از فضیلتی که برای آن‌ها مانند سایر آیات قرآنی ثابت است دارای خاصیت معین می‌باشد که از بین سایر آیات قرآن مجید با آن‌ها توجه خاصی داده شده است.

احادیث نبوی ﷺ:

این دسته از اذکار عبارت از مجموعه‌ی اورادی است که از احادیث گرانبهای آنحضرت ﷺ انتخاب شده است با این معنی که یا خود پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ این اوراد را خوانده‌اند: و یا حضرات صحابه را به خواندن این اوراد ارشاد و رهنمای فرموده‌اند: اوراد ازین قرار است:

اوراد بخش قرآنی:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

«از (شر) شیطان رانده شده پناه به خداوند شنوا و دانا می‌برم».

۱- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [الفاتحة: ۱].

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

۲- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الفاتحة: ۲].

ترجمه: «ستایش خدای را است، پروردگار جهانیان».

۳- ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [الفاتحة: ۳].

«خدای بی اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

۴- ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: ۴].

«پادشاه روز جزا (است)».

۵- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵].

«خاص ترا می پرستیم، و خاص از تو یاری می خواهیم».

۶- ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [الفاتحة: ۶]. «بما راه راست بنما».

۷- ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

﴿۷﴾ [الفاتحة: ۷].^۱ ترجمه: «راه کسانی که نعمت خویش را بر ایشان

ارزانی کرده‌ای نه راه کسانی را که مورد خشم واقع شدند (یهود) و

نه هم راه گمراهان (نصاری)».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

۱- ﴿الْم﴾ [البقرة: ۱].

۲- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲].

ترجمه: «این کتاب، در آن شکی نیست، هدایتی است برای پرهیزگاران».

۱- از ابو سعید رافع پسر معلی رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ برایم فرمود: آیا

قبل از اینکه از مسجد برآیی بزرگ‌ترین سوره ای را در قرآن برایت نیاموزم؟ سپس دست مرا گرفت و چون خواستیم که (از مسجد) بر آئیم گفتیم: ای رسول خدا،

فرمودی که بزرگ‌ترین سوره ای را در قرآن بتو می‌آموزم؟ فرمود: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ﴾ آن هفت آیه مکرر و قرآن عظیمی است که بمن داده شده است.

[صحیح بخاری: ۸ / ۱۱۹].

۳- ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [البقرة: ۳].

«آنانیکه بغیب ایمان می‌آرند و نماز خود را به تمام و کمال برپا می‌دارند، و از آنچه برای‌شان روزی گردانیده‌ایم خرج می‌کنند».

۴- ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [البقرة: ۴].

ترجمه: «و آنانیکه به آنچه به تو نازل گردانید شده و به آنچه که پیش از تو نازل شده ایمان می‌آرند و به آخرت یقین دارند».

۵- ﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [البقرة: ۵].

ترجمه: «آن‌ها از جانب پروردگارشان بر هدایت‌اند و ایشان همین‌ها هستند رستگار».

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

۱- از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه‌های خود را قبرستان نسازید همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده شود می‌گریزد». [صحیح مسلم: ۷۸۵].

۲- از ابی ابن کعب رضی الله عنه روایت شده است که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابو منذر، آیا می‌دانی کدام آیه از کتاب خداوند که با تو است بزرگ‌تر است؟ گفتیم: «الله لا إله إلا

ترجمه: «خداوند: معبودی جز او نیست، زنده و بخود پاینده است، نه او را پینکی می‌گیرد و نه (هم) خواب، هر آنچه در آسمان‌ها و (هر) آنچه در زمین است از آن اوست، چه کسی است آنکه بحضور او شفاعت کند مگر به اجازه او؟ آنچه را که در پیشروی و پشت سر بندگان است میداند، و ایشان به چیزی از علم او احاطه کرده نمی‌توانند، مگر به آنچه او اراده کند، کرسی او آسمان‌ها و زمین را دربر گرفته است، و نگهبانی آن‌ها او را خسته نمی‌سازد، و او بسیار بلند (مرتبه) و بسیار با عظمت است.»

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶].

ترجمه: «در دین اکراهی نیست، همانا رهیابی از گمراهی جدا شده است، پس کسیکه از شیطان روی بر می‌تابد و بخداوند ایمان می‌آورد، به دستگیر مستحکمی چنگ زده است که هرگز گسستنی نیست، و خداوند شنوا (و) دانا است.»

﴿اللَّهُ وَكَرِهَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۷].

ترجمه: «خداوند یاور مؤمنان است. ایشان را از تاریک‌ها به روشنایی بیرون می‌آرد. و کافران یاوران‌شان شیطان است که ایشانرا از روشنایی به تاریکی‌ها می‌کشاند. هم ایشان‌اند اهل دوزخ و در آن همیشه بسر می‌برند.»

هو...» سپس به سینه‌ام زده فرمود: ای ابو منذر، علم برایت گوارا باد. [صحیح مسلم:

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿٢٨٤﴾ [البقرة: ۲۸۴].

ترجمه: «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خدا است، و آنچه را در دل‌های شما است (خواه) آشکار کنید یا پنهان، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند. پس هر کسی را بخواهد می‌آمرزد و هرکسی را بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند در هرچیز توانا است.»

﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۚ وَكُتُبِهِ ۚ وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ ﴿٢٨٥﴾ [البقرة: ۲۸۵].

ترجمه: «پیامبر به چیزی که به او از طرف پروردگارش نازل شده است ایمان دارد، و مؤمنان نیز، همه به خدا فرشتگان، کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (آن‌ها می‌گویند) میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم، و گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم. (خواهان) آمرزش تو هستیم. ای پروردگار ما! و بسوی تو است بازگشت.»

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ ۗ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۗ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ ﴿٢٨٦﴾ [البقرة: ۲۸۶].

ترجمه: «خداوند هیچ کسی را مکلف نمی‌سازد مگر به اندازه توان او، برای اوست هرچه کسب کرده، و بر (زیان) اوست هر چه را مرتکب شده. پروردگار ما! و اگر ما فراموش کردیم یا خطا کردیم، ما را مگیر، ای پروردگار

ما! و برما چنان باری را مگذار که توان برداشت آن را نداشته باشیم، و از گناهان ما درگذر، ما را به بخشا، و برما رحم کن، توی کار ساز ما، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان»^۱.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ترجمه: «بنام خداوند بی اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

﴿الْم ۱﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۱﴾ [آل عمران: ۱-۲].^۲

ترجمه: «الم. خداوند جز او معبودی نیست زنده، و بخود پاینده است».

﴿وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ [طه: ۱۱۱].

ترجمه: «و چهره‌ها در حضور زنده بخود پاینده، ذلیل می‌شوند و همانا کسیکه مرتکب ستم گردیده ناکام و بینوا شد».

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا﴾ [طه: ۱۱۲].

ترجمه: «و هرکسیکه چیزی از کارهای نیکو انجام دهد، در حالیکه مؤمن (هم) باشد، پس نه از ستمی می‌ترسد و نه (هم) از شکستی».

﴿حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ۱۰۹].

۱- از ابو مسعود بدری رضی الله عنه روایت شده است که: آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه دو آیه اخیر سوره بقره را در یک شب بخواند او را کافی و بسنده است. [صحیح بخاری: ۹ / ۵۰. و صحیح مسلم: ۸۵۸].

۲- از ابی ابن کعب رضی الله عنه روایت شده است که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابو منذر، آیا می‌دانی کدام آیه از کتاب خداوند که با تو است بزرگ‌تر است؟ گفتم: «الله لا اله الا هو...» سپس به سینه‌ام زده فرمود: ای ابو منذر، علم برایت گوارا باد. [صحیح مسلم: ۸۱۵].

[۱۲۹]

ترجمه: «خداوند مرا بسنده است جز او معبودی نیست بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ».

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿۱۱۰﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا ﴿۱۱۱﴾﴾ [الإسراء: ۱۱۰-۱۱۱].

ترجمه: «بگو: خدا را بخوانید یا رحمن را بخواید، هر کدام را بخوانید، نام‌های نیکو از آن اوست، و نمازت را نه به آواز بلند بخوان و نه (هم) با آواز آهسته و در بین این (دو) راه (میان) ای را اختیار کن. و بگو: ستایش خدای راست که برای خود فرزندی نگرفته است. در پادشاهی شریکی ندارد و برای او کار سازی (که) از ذلت (او را وارهند نیازی) نیست، و او را به بزرگی یاد کن بزرگی (بس شکوه مندی)».

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿۱۱۷﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۱۸﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۸].

ترجمه: «پس آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و شما نزد ما باز گردانیده نمی‌شوید؟ پس برتر است خداوند، پادشاه بر حق بجز او معبودی نیست، پروردگار عرش کریم. و هر که با خداوند معبود دیگری را بخواند و (مسلماً) به این (کار خویش) دلیلی ندارد، و همانا حساب او نزد پروردگار او

است و هرگز کافران رستگار نمی‌شوند. و بگو: پروردگارا! مرا بیامرز و (برمن) رحم کن و تو بهترین رحم کننده‌گانی.»

﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ
مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ نُخْرِجُكُمْ ﴿١٩﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ
خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ
لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَإِخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِعَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْ
آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا
أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَلْبُونَ ﴿٢٦﴾﴾ [الروم: ١٧-
٢٦].

ترجمه: «پس خداوند را در شامگاهان و صبحگاهان به پاکی یاد کنید. و ستایش از آن او ست (هم) در آسمان‌ها و (هم) در زمین و (هم) در آخر روز و در هنگامیکه چاشت را می‌گذرانید. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مردن آن زنده می‌گرداند و شما (نیز) این چنین (از قبر خویش) بر آورده می‌شوید. و از نشانه‌های او (یکی هم) اینست که شما را از خاک آفرید و باز شما بحیث بشر به هر طرف

پراگنده شدید. و از نشانه‌های او (یکی هم) اینست که برای شما از خود شما زنان را آفریده تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و او در میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این‌ها برای گروهیکه فکر می‌کنند نشانه‌های است. و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین است و نیز اینکه شما به زبان‌های مختلفی سخن می‌زنید و دارای رنگ‌های مختلفی می‌باشید. واقعاً درین‌ها برای دانشمندان نشانه‌های است. و از نشانه‌های او خوابیدن شما است در شب و روز و تلاش و کوشش شما است برای (کسب و کار) و بهره‌مندی شما از فضل خداوند. بی‌گمان درین برای کسانیکه (سخن حق را) می‌شنود نشانه‌های است. و از نشان‌های او این است که بشما برقک را می‌نماید که (هم موجب) ترس و (هم مایه) امیدواری است. و (نیز) آب را از آسمان نازل می‌کند و با آن زمین را بعد از پژمردگی آن زنده می‌سازد همانا درین برای کسانیکه هوشیاراند نشانه‌های است. و از نشانه‌های او اینست که آسمان‌ها و زمین به حکم او بر پاست سپس همینکه شما را از زمین فرا خواند آنگاه (از قبرخویش) بیرون میشود. هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اواست. (و) همه به او فرمان می‌برند».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿حَمَّ ۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۲﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ

التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ الْمَصِيرُ ﴿۳﴾ [المؤمن: ۱-۳].

۱- در حدیثی که امام ترمذی روایت کرده است، آمده است که اگر کسی آیه الکرسی و آیات اوائل (حم) را بخواند خداوند او را در همان روز از هر بدی محفوظ نگه میدارد. مگر این روایت ضعیف است.

ترجمه: «حم.. فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت و آگاه است که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، سخت عذاب کننده، صاحب انعام و احسان است. هیچ معبودی جز او نیست بسوی او است باز گشت».

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴].^۱

ترجمه: «اوست خداوندیکه جز او معبودی نیست دانای نهان و آشکار، و اوست بخشاینده (و) مهربان، اوست خداوندیکه جز او معبودی نیست، پادشاه، نهایت پاک، سالم، (از هر عیب) امان دهنده، نگهبان، صاحب قدرت و صاحب عزت، (و) با شکوه، در نهایت بزرگواری، منزه است از آنچه به او شریک می‌آورند. او خداوند یست آفریننده، پدید آورنده، نگارنده اشکال، (و) رنگ‌ها) دارای نیکوترین نام‌ها و (صفات) آنچه در آسمان‌ها و در زمین است او را بپاکی یاد می‌کنند و هم اوست صاحب قدرت (و) با حکمت».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ

يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾ [الزلزلة: ۱-۸]¹. ترجمه: «وقتی که زمین به (همان) زلزله شدید (خود روبرو) شود، و زمین گرانباری خود را بیرون افکند، (بگونه ایکه) انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ در آن روز زمین خبرهای خود را بیان می‌کند. به سبب آنکه پروردگار تو به آن امر کرده است. در آن روز (دسته دسته) از مردم بگونه متمایز و جدا شده‌ای براه می‌افتد. پس هرکه به وزن ذره‌ای خوبی کرده باشد آن را می‌بیند. و هر که به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد (نیز) آنرا می‌بیند».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾ [الکافرون: ۱-۶]².

۱- در حدیثی که امام ترمذی: در باب فضائل قرآن ۱۱۷ / ۲. روایت کرده چنین آمده است: از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده است که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «ثواب تلاوت سوره ﴿إِذَا زُلْزِلَتْ﴾ به اندازه ثواب تلاوت نصف قرآن است. ثواب تلاوت سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ به اندازه ثواب تلاوت ثلث قرآن است، ثواب تلاوت سوره ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ به اندازه ثواب تلاوت چهارم حصه قرآن است.

۲- در مسند امام احمد بن حنبل از حارث بن جبلة روایت شده که گفت: گفتم: ای رسول خدا، بمن چیزی را بیاموز که آنرا هنگام خوابیدن بخوانم آن حضرت صلی الله علیه و آله برایش فرمود: وقتی می‌خواهی شب به بستر خواب خود بخوابی سوره: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را بخوان زیرا این بیزاری است از شرک.

ترجمه: «بگو: ای کافران. آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم. و نه (هم) شما پرستنده چیزی هستید که من آن را می‌پرستم. و نه (هرگز) من پرستنده چیزی هستم که شما آن را می‌پرستید. و نه (هم) شما پرستنده چیزی هستید که من آن را می‌پرستم. برای شما است دین شما و برای من است دین من.»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم.»

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝﴾ [النصر: ۱-۳].^۱

ترجمه: «هنگامیکه یاری خداوند و پیروزی فرا رسید. و دیدی که مردم گروه گروه بدین خدا داخل می‌شوند. پس پروردگار خود را بپاکی یاد کن و از او آمرزش بخواه حقا که او بسیار توبه‌پذیر است.»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم.»

۱- در فضیلت این سوره، حدیثی در سنن امام ترمذی: ۴ / ۲۴ چنین آمده است: از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که آن حضرت رضی الله عنه برای مردی از یاران خود فرمود: ای فلان، آیا ازدواج نمودی؟ صحابه در جواب گفت: نه بخدا ای رسول خدا، من چیزی ندارم که ازدواج نمایم آن حضرت رضی الله عنه فرمود: آیا با تو سوره: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ نیست؟ گفت بلی هست: آنحضرت رضی الله عنه فرمود: یک سوم قرآن است. سپس آنحضرت رضی الله عنه فرمود: آیا با تو سوره: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ نیست؟ صحابه گفت بلی هست: آن حضرت رضی الله عنه فرمود: آیا با تو سوره: ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ نیست؟ صحابه گفت بلی هست: آن حضرت رضی الله عنه فرمود: نصف قرآن است. ازدواج کن. (دو مرتبه)

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ
كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الاخلاص: ۱-۴].^۱

ترجمه: «بگو: اوست خدای یکتا است. ذاتی که از همه کس همه چیز بی نیاز است. نه زاده است و نه (هم) زاده شده است. و نه هیچکس همتای اوست.»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ [الفلق: ۱-۵].

ترجمه: «بگو: پناهمی برم به پروردگار صبحگاه. از شر آنچه بیافریده است. و از شر تاریکی هنگامیکه گسترش می یابد. و از شر آنانیکه در گره ها می دمند. و از شر حاسدی چون رشک می ورزد.»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

۱- هرکسی هنگام صبح و شب سه مرتبه سوره اخلاص و معوذتین را بخواند الله متعال او را از گزند همه موجودات مودی در امان میدارد. این حدیث را ابوداود، ترمذی و نسائی نقل کرده اند و ترمذی آن را حدیث حسن گفته است.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾ مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿۴﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾ مِنَ الْغَيْبَةِ وَالنَّاسِ
﴿۶﴾﴾ [الناس: ۱-۶].^۱

ترجمه: «بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم. به پادشاه مردم. به خداوند مردم. از شر وسوسه کننده پنهان شونده. آنکه در دل‌های مردم وسوسه می‌افکند خواه از جنیان باشند یا آدمیان».

«أَصْبَحْنَا (أَمْسَيْنَا) وَأَصْبَحَ (وَأَمْسَى) الْمَلِكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»^(۲). (سه بار صبح و سه بار
شام).

«ما و تمام جهانیان شب را برای الله ﷻ به صبح رسانیدیم، صبح نمودیم
(و شام نمودیم) ثنا و ستایش از آن الله است. برای او شریک و همتایی
وجود ندارد و بجز او معبودی نیست و بسوی او حشر صورت می‌گردد».

۱- در فضیلت و تلاوت سه سوره متذکره (اخلاص و معوذتین) مشکاة المصابیح: ۲ / ۶۵۷.
از صحیح بخاری و صحیح مسلم حدیثی چنین نقل میکند که ترجمه‌اش اینست: از بی بی عائشه رضی الله عنها روایت است که آن حضرت رضی الله عنها هنگامیکه به بستر خواب خود در هر شب آرام می‌گرفت هردو کف دست خود را جمع می‌نمود و سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را می‌خواند و به هر دو دست خود می‌دمید و بعداً دست‌های خود را تا اندازه که می‌توانست به جسم خود مسح می‌نمود (و در دست کشیدن) از سر و روی و جلو بدن خود آغاز می‌کرد و این عملیه را سه بار تکرار می‌نمود.

۲- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگام صبح می‌فرمود: «أصبحنا وأصبح...» این حدیث را ابن سنی و بزار روایت کرده‌اند و بی‌هقی گفته است اسناد آن خوب است.

«أَصْبَحْنَا (أَمْسَيْنَا) عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَعَلَى كَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَعَلَى دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ وَعَلَى مِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^(۱). (سه بار صبح و سه بار شام).

«ما بر فطرت اسلام و کلمه اخلاص و بر دین پیامبر ما حضرت محمد ﷺ، و بر آیین پدر ما حضرت ابراهیم علیه السلام صبح کردیم (شام نمودیم) همان ابراهیمی که فقط فرمانبردار و بسوی حق تمایل داشت و از زمره مشرکان نبود».

«اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ (أَمْسَيْتُ) مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسِرِّ فَاتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ وَسِرِّكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^(۲). (سه بار صبح و سه بار شام).

«ای بار الها! شب را به روز رسانیدم در حالیکه از نعمت سلامتی و پرده‌پوشی تو بهره مند می‌باشم، پس ای پروردگار متعال نعمت عافیت و پرده پوشی خود را در دنیا و آخرت برای من به اكمال رسان».

«اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ»^۳. (سه بار صبح و سه بار شام).

۱- ابی بن کعب گفته است: رسول الله ﷺ به ما تعلیم داده‌اند که هنگام صبح و شب این حدیث را بخوانیم. این حدیث را عبدالله بن امام احمد در کتاب زواید نقل کرده است.

۲- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: کسی که در وقت صبح و شب این دعا را سه مرتبه بخواند الله تعالی نعمت خود را بر او تمام می‌گرداند. این حدیث را ابن سنی روایت کرده است.

۳- هر کس این دعا را در هنگام صبح بخواند شکر آن روز را ادا کرده است و هر کس هنگام شب آن را بخواند شکر آن شب را ادا نموده است این حدیث را ابو داود نسائی ابن سنی و ابن حبان روایت کرده‌اند.

«ای بار الها! هر نعمتی که بمن صبحگاهان و یا شامگاهان می‌رسد و یا به هر فردی که از مخلوق تو می‌رسد این نعمت‌ها تنها و تنها از جانب تو بوده است برای تو شریکی و همتایی وجود ندارد ستایش سپاس‌گزاری از آن تو است.»

«يَا رَبِّي لَكَ الْحَمْدُ كَمَا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِكَ وَعَظِيمِ سُلْطَانِكَ». (۳ بار صبح و ۳ بار شام). «ای پروردگار من! همه ثناء و ستایش تنها تو را زبید، ثنای که شایسته عزت و شکوه تو و در خور سلطنت عظیم تو باشد.»

«رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا»^۱. (۳ بار صبح ۳ بار شام).

«به ربوبیت خدا و بداشتن دین اسلام و پیامبری محمد ﷺ راضی و خوشنود هستم.»

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ»^۲.

(۳ بار صبح و ۳ بار شام).

«پاک است خداوند، و همه ثنا و ستایش از آن او است، تسبیح و ثنایی به

۱- پیامبر ﷺ فرموده‌اند: کسی که صبحگاهان و شب هنگام بگوید (رضیت بالله رباً...) خداوند تبارک و تعالی از او راضی می‌گردد و این حدیث را ابو داود و ترمذی و نسائی و حاکم نقل کرده‌اند.

۲- از ام المؤمنین جویریة ل روایت شده که روزی در موقع نماز صبح پیامبر ﷺ از نزد او خارج شد وقتی هنگام ظهر برگشت دید که جویریة هنوز در جای نماز خود نشسته است و ذکر میکند پیامبر ﷺ فرمود: من چهار کلمه را سه بار تکرار کرده‌ام که هم وزن و هم پایه گفته‌های تو میباشد و آن کلمات عبارت از (سبحان الله....) [صحیح مسلم].

تعداد مخلوقات او، و تسبیح و ثنایی لایق خوشنودی و رضای او، و تسبیح و ثنایی که برابر با عرش او عَلَاءُ است، به اندازه رنگ قلمی که کلمات او تعالی به آن نوشته می‌شود».

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۱. (۳ بار صبح و ۳ بار شام).

«بنام الله که با (خواندن) نامش چیزی نه در زمین و نه (هم) در آسمان گزند نمی‌رساند و اوست شنوا و دانا».

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ وَكَسْتَعْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُ»^۲. (۳ بار صبح و ۳ بار شام).

«ای بار الها! ما بتو پناه می‌بریم از اینکه دانسته چیزی را شریک تو سازیم و طلب مغفرت می‌کنیم از این که نا آگاهانه چیزی را با تو شریک گردانیم».

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»^۱. (۳ بار صبح و ۳ بار شام).

۱- از عثمان ابن عفان رضی الله عنه روایت است که هر کس سه بار در وقت صبح و سه بار در وقت شب این دعا را بخواند هیچ چیزی به او ضرر نمی‌رساند. این حدیث را ابو داود نقل کرده است.

۲- از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله ما را مخاطب قرار داده فرمود: ای مردم از شرک بترسید زیرا شرک از صدای مورچه خفیف تر است. کسی از حاضران گفت: چگونه ممکن است از چنین شرکی بر حذر بود؟ حضرت فرمودند: بگوئید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ...» احمد و طبرانی این حدیث را به اسناد خوب روایت کرده‌اند.

«پناه می‌برم به کلمه‌های کامل خداوند از شر (همه) چیزهاییکه آفریده است».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ»^۲.

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اندوه و غم، و بتو پناه می‌برم از ناتوانی و کسالت، و بتو پناه می‌برم از ترس و ممسکی، و بتو پناه می‌برم از قرضداری و قهر مردمان».

«اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»^۳.

«ای بار الها! بتو پناه می‌برم از کفر و تنگدستی، و بتو پناه می‌برم از عذاب قبر، و بجز تو هیچ معبودی نیست».

«اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»^۴. (سه بار صبح و سه بار شام).

«بار الها! بدن من را سالم بگردان، ای بار الها! شنوایی من را سالم بساز، ای بار الها! بینایی من را سلامتی ببخش، نیست معبودی بجز تو».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ

۱- هر کس شامگاه این دعا را سه مرتبه بخواند سختی‌های آن شب به او ضرری نمی‌رساند. احمد، نسائی، ابن سنی، ترمذی و ابن حبان این حدیث روایت کرده‌اند.

۲- پیامبر ﷺ فرمودند: هرگاه این کلمات را صبح و شام بخوانی غمت زائل شده دینت اداء می‌گردد.

۳- سنن ابو داود: ۵۰۹۰.

۴- پیامبر اکرم ﷺ این دعا را سه مرتبه صبح و سه مرتبه شب می‌خواندند. ابو داود احمد نسائی ابن سنی و بخاری در ادب المفرد این حدیث را روایت کرده‌اند.

مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوؤُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوؤُ بِذَنْبِي فَاعْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»^۱. (۳ بار صبح و ۳ بار شام).

«ای بار الها! تو پروردگار منی بجز تو معبودی دیگر نیست، تو من را آفریدی و من بنده توام، و من بر عهد و پیمان تو و بر وعده تو بقدر توانایی خویش قائم ام، بتو پناه می‌برم از شر بدکاری‌های که من انجام دادم و بر نعمت‌های که بر من ارزانی نمودی اقرار می‌نمایم، و به گناهان خویش معترفم، گناهان من را ببخش و بجز تو هیچ کسی گناهان را نمی‌بخشد».

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»^۲. (۳ بار صبح و ۳ بار شام).

«از پروردگار بزرگ آمرزش می‌خواهم که بجز او معبودی نیست و او زنده جاوید و پاینده بذات خویش و بی‌زوال است».

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»^۳. (۱۰ بار صبح و ۱۰ بار شام).

«ای بار الها! بر محمد ﷺ و آل او رحمت بفرما، همچنانکه به ابراهیم عليه السلام و آل او رحمت فرمودی، همانا تو ستوده و با عظمت هستی، بار الها! بر

۱- هر کس هنگام شب آن را با یقین بگوید و در آن شب بمیرد و یا صبح بگوید و در همان روز بمیرد به بهشت داخل شود. [صحیح بخاری].

۲- پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که این دعا را بخواند خداوند او را می‌بخشد حتی اگر از میدان جنگ فرار کرده باشد. ابو داود و ترمذی این حدیث را روایت کرده و حاکم آن را بنا به شرط مسلم و بخاری، صحیح تشخیص داده‌است. [صحیح بخاری: ۱۱ / ۱۰۱ صحیح مسلم: ۴ / ۲۷۵].

۳- بخاری مع الفتح: ۶ / ۴۰۸.

محمد ﷺ و بر آل او برکت ارزانی فرما همچنانکه به ابراهیم علیه السلام و آل او برکت ارزانی نمودی، همانا تو ستوده و سزوار ستایشی.»

«سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»^۱. (۱۰ بار صبح و ۱۰ بار شام).

«پاک است الله. همه ثناء و ستایش از آن او است و هیچ معبودی جز او نیست و الله بزرگ است.»

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲. (۱۰ بار صبح و ۱۰ بار شام).

«نیست معبودی بجز الله و الله تعالی یگانه و یکتا است، برای او هیچ شریکی نیست، پادشاهی از آن اوست، و همه ستایش برای اوست و الله جل جلاله به همه چیزها توانا است.»

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»^۳. (۱۰ بار صبح و ۱۰ بار شام).

«پاکی تو ای الله جل جلاله. همه ستایش ترا است، گواهی می‌دهم بر اینکه بجز تو معبودی نیست، از تو آمرزش می‌طلبم و بتو توبه گارم.»

۱- سنن ابن ماجه.

۲- صحیح بخاری: ۴ / ۹۰ و صحیح مسلم: ۴ / ۲۰۷۱.

۳- سنن نسائی، عمل الیوم واللیلة: ص ۱۷۳.

طریقه وضوء و دعاهای آن

چون وضوء عملی است اسلامی ازینرو احتیاج به نیت دارد، و نیت بصورت خاص اراده کردن در دل برای ادای آن عملی است که قصد ادای آن را دارد. و سپس بسم الله^۱. بگوید و دست‌های خود را تا به بند سه بار بشوید، و سپس دهان خود را سه مرتبه بشوید، بعد بینی خود را سه بار بشوید، و آب را از بینی خود با بیرون کشیدن نفس خارج کند، و سپس روی خود را سه بار بشوید، و بعد دست‌های خود را تا آرنج‌ها بشمول آرنج‌ها بشوید و بعد تمام سر خود را مسح نماید و با دست‌های تر گوش‌های خود را نیز مسح کند، بعد پاهای خود را سه بار تا کله پای (بجلك) بشمول کله بشوید، در ختم وضوء اگر حفظ داشته باشد همه این دعا و یا یکی ازین دعاهای مأثوره را بخواند. و دعاها چنین است:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»^۲.

«گواهی می‌دهم باینکه بجز خداوند معبودی برحق نیست، خداوند یگانه و یکتا است، برای او شریکی نیست، و گواهی می‌دهم باینکه محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست.»

۱- در وضوء جز گفتن بسم الله هیچ دعای در احادیث صحیح از آن حضرت ﷺ ثابت نشده است.

۲- صحیح مسلم: ۲۰۹/۱.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۱.
 «ای بار خدایا! مرا از زمره توبه گاران و پاکیزگان بگردان».
 «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»^۲.
 «پاکی تو ای الله ﷻ. همه ستایش ترا است، گواهی می دهم بر اینکه بجز
 تو معبودی نیست، از تو آمرزش می طلبم و بتو توبه گارم».

۱- سنن ترمذی: ۱ / ۷۸.

۲- سنن نسائی (عمل اليوم واللیلة): ص ۱۷۳.

نماز خواندن

طریقه ادای نماز

دو رکعت نماز باین ترتیب ادا می‌گردد:

نیت نماز:

برای ادای نماز در دل اراده نمودن همان نماز و عدد رکعات همان نماز کافی است. و بعد (الله اکبر) می‌گوییم با گفتن الله اکبر دست‌ها را بگوش‌ها برابر نرمة گوش می‌رسانیم و بعد می‌بندیم و سپس ثنا می‌خوانیم.

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ»^۱.

«پاکی تو ای الله و همه ستایش ترا است، و بابرکت است نام تو و بزرگی تو مقام والای دارد و نیست معبودی بجز تو».

و بعد «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می‌گوییم: یعنی: «به خدای متعال پناه می‌برم از (شر) شیطان رانده شده». و سپس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌گوییم: «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان»، و نهایت با رحم. و بعداً سوره فاتحه را می‌خوانیم:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٤﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٥﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٦﴾﴾ [الفاتحة: ۲-۶].

ترجمه: «ستایش خدای راست پروردگار جهانیان خدای که بی‌اندازه

مهربان و نهایت با رحم است. خداوند روز جزا است. خاص ترا می‌پرستیم و خاص از تو کمک می‌خواهیم. به ما راه راست را بنما. راه کسانی را که بر ایشان نعمت خویش را ارزانی کرده‌ای نه راه کسانی را که مورد خشم واقع شده‌اند و نه هم راه گمراهان». سپس سوره از سوره‌های قرآن و یا چند آیه‌ای از آیات قرآن کریم را تلاوت می‌نماییم: مثلاً سوره (الماعون):

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يَحِضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾﴾ [الماعون: ۱-۷].

ترجمه: «آیا کسی را که روز جزا را تکذیب می‌کند دیدی؟ این همان کسی است که یتیم را با اهانت میراند، و به طعام دادن محتاج تشویق نمیکند، پس وای بر آن نمازگذارانی که از نمازشان غافل‌اند، آنانی که ریا می‌کنند و سامان (مورد نیاز) نیازمندان را (از ایشان) منع می‌نمایند».

و بعد از آن «الله اکبر» گفته و برکوع می‌رویم، و با هردو دست هردو زانوی خود را می‌گیریم. و این تسبیح را حد اقل سه بار می‌خوانیم: «سبحان ربی العظیم» «پروردگار با عظمت من پاک است». سپس «سمع الله لمن حمده» را گفته از رکوع بلند می‌شویم. (شنیده است خداوند از بنده که او را ستوده است). و متصل آن در حالیکه ایستاده‌ایم می‌گوییم: «ربنا لك الحمد» «ای پروردگار ما تراست همه ستایش». بعد «الله اکبر» گفته به سجده می‌رویم و در سجده اول زانوها و بعداً هر دو دست را و سپس بینی و بعد از آن پیشانی خود را بزمین می‌گذاریم و در حالیکه هردو دست محاذی گوش‌ها و انگشت‌ها رو بقبله می‌باشد سجده می‌نماییم.

بعد از آن سه بار «سبحان ربی العظیم» می‌گوییم. «پروردگار عالی شأن من پاک است». سپس «الله اکبر» گفته و از سجده اول پیشانی سپس بینی بعد از آن دست‌ها را بر داشته و پای چپ را در زمین فرش نموده قدم پای راست را بلند می‌کنیم و می‌نشینیم. و دست‌های خود را بالای ران‌های خود می‌گذاریم و بعد از اینکه کاملا بر زمین قرار گرفته دوباره تکبیر گفته و به سجده دوم می‌رویم و بعد از ادای سجده دوم «الله اکبر» گفته برای ادای رکعت دوم بلند می‌شویم. و در رکعت دوم ثنا «سبحانک اللهم» را نمی‌خوانیم و این رکعت را مانند رکعت اول بجا می‌آوریم. بعد از تمام سجده دوم رکعت دوم در قعه می‌نشینیم و این طور تشهد می‌خوانیم:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»^۱.

«تمام تحیت‌های (قولی و بدنی و مالی) برای خدای متعال است. سلام بر توباد ای نبی ﷺ و رحمت خدا و برکات او. سلام باد بر ما و بر بندگان نیکوکار خداوند. گواهی می‌دهم باینکه جز خداوند معبودی نیست و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست».

سپس این درود را می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ

إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ^۱.

«ای بار خدایا درود بفرست بر محمد ﷺ و بر آل محمد ﷺ همچنانکه درود فرستادی بر ابراهیم علیهِ السَّلَام و بر آل ابراهیم علیهِ السَّلَام، همانا تو ستوده و با عظمتی. ای بار خدایا برکت بگذار بر محمد ﷺ و بر آل محمد ﷺ چنانکه برکت نهادی بر ابراهیم علیهِ السَّلَام و بر آل ابراهیم علیهِ السَّلَام حقا که تو بزرگی و سزاوار ستایشی». بعداً دعاهاى مانند دعای حسنه را بخواند:

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة:

۲۰۱].

«ای بار الها! بما در دنیا خوبی بده و در آخرت خوبی بده، و ما را از عذاب دوزخ نگهدار». از جمله دعاهاى مأثوره این دعا نیز می باشد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ»^۲.

«ای بار الها! همانا من بر خویشتن ظلم بسیاری نمودم و کسی نمی تواند گناهی را ببخشد جز تو، پس بیامرز مرا به آمرزش خاص خویش و به من رحم فرما، حقا که تو آمرزنده و مهربانی».

نماز استخاره

شخصی مسلمان وقتی می خواهد در امر مهم و یا کاری ضروری اقدام نماید مانند: ازدواج، سفر، تجارت، و امثال آن. طریقه مسنونہ اینست که دو رکعت نماز به نیت استخاره اداء نماید و بعد از ختم نماز دعاییکه درین مورد از آنحضرت ﷺ روایت شده بخواند و حاجت خود را طلب و درباره رسیدن

۱- صحیح بخاری: ۸ / ۴۵۹، و صحیح مسلم: ۴۵۶.

۲- صحیح بخاری و صحیح مسلم.

بمقصد خود از خداوند عز و جلاله استعانت بجوید و بعد از میلان قلبی بطرف همان چیز آن را عملی نماید.

دعای استخاره:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَفْذِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ وَيُسَمِّي حَاجَتَهُ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ قَالَ: عَاجِلِهِ وَأَجَلِهِ فَاقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ قَالَ: عَاجِلِهِ وَأَجَلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ»^۱.

«ای بار الها! طلب خیر می‌کنم ترا به یاری علم تو، و طلب قدرت می‌کنم از تو بوسیله قدرت (کامله) تو، و سوال می‌کنم ترا از فضل بزرگ تو، همانا تو صاحب قدرتی و من قدرتی ندارم، و تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو داننده غیب‌هایی، ای بار الها! تو می‌دانی که این کاری را که من به آن تصمیم گرفتم در امر دین من و دنیای من و انجام کار من بخیر من است، آن را برای من مقدر کن و آسان بگردان، و من را به آن کار برکت و افزونی ده، ای بار الها! تو می‌دانی که این کار را که من به آن تصمیم گرفتم در دین من و دنیای من و انجام کار من به ضرر من می‌باشد آنرا از من باز گردان و مرا از آن، و برای من نیکی را هرجاییکه باشد مقدر نما، و مرا به آن راضی بگردان.»

۱- صحیح بخاری، سنن ابوداود، سنن ترمذی و مسند امام احمد بن حنبل.

نماز حاجت:

اگر مشکلی در مسیر زندگی به بنده مسلمان پیدا شد که با وجود سعی و کوشش انسانی او و مهیا شدن اسباب این مشکل رفع نگردید. درین وقت او دو رکعت نماز را به نام نماز حاجت اداء می کند و بعد از ادای نماز حمد و ثنا برای خداند ﷻ گفته و درود بر روان پاک آنحضرت ﷺ می فرستد و سپس این دعا را می خواند و مطلب خویش را از خداوند متعال طلب می کند.

دعای حاجت:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعِزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضَى إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱.

«نیست معبودی بجز خدای حلیم و کریم، پاک است خداوند پروردگار عرش بزرگ است، ستایش خدای را است پروردگار جهانیان، سوال می کنم ترا اعمال که موجب رحمت تو گردد، و خصلت‌ها یکه سبب آمرزش از جانب تو شود، و پاکی از هر گناه، و غنمیت از هر نیکی، و سلامتی از هر معصیتی، مگذار برای من هیچ گناه مگر آنکه آن را بیامرزی، و نه هم هیچ اندوهی مگر آنکه آنرا بگشایی، و نه هم هیچ حاجتی که تو به آن راضی باشی مگر آنکه آن را بدهی، ای مهربان‌ترین مهربانان».

دعاهای متفرقه

دعای وقت بیرون شدن از منزل:

«بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۱. «بنام خداوند بر خداوند توکل نمودم، و هیچ جای بازگشتی و قوتی جز خداوند نیست.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ»^۲.

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اینکه کسی را گمراه بسازم، و یا کسی من را گمراه بسازد، و یا کسی را بلغزانم، و یا کسی من را بلغزاند، و یا بکسی ظلم نمایم، و یا کسی بمن ظلم نماید، و یا بکسی جهالت نمایم، و یا کسی بمن جهالت نماید.»

«بِسْمِ اللَّهِ وَلَجْنَا، وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا»^۳.

«بنام خداوند ﷻ (به منزل) داخل شدیم و بنام خداوند ﷻ (از منزل) خارج شدیم، و بر پروردگار ما توکل کردیم.»

دعای مسافر:

شخص وقتی می‌خواهد سفر نماید با دوستان و اقارب خود چنین وداع می‌کند:

۱- سنن ابوداود: ۴ / ۳۲۵.

۲- سنن ابن ماجه و ترمذی و نسائی.

۳- سنن ابوداود.

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ، وَأَمَانَتَكَ، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ»^۱.

«من دین ترا، و امانت ترا، و خاتمه عمل ترا، بخداوند می سپارم.»

«أَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ»^۲.

«ترا به خداوند می سپارم، خدایکه چون باو چیزی سپرده شود ضایع

نمی گردد.»

دعای وقت روان شدن به سفر:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ»^۳.

«ای بار الها! تویی صاحب (من) در سفر و نائب (من) در خانواده (من) ای بار الها! بتو پناه می برم از مشقت های سفر، و منظر بد، و از دیگرگونی و بدحالی در مال و خانواده و فرزند [خویش].»

دعای وقت سوار شدن بوسایل سفر:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾^{۱۳} وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿۱۴﴾ [الزخرف: ۱۳-۱۴]. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالْتَقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ»^۴.

۱- سنن ترمذی و مسند امام احمد.

۲- مسند احمد و ابن ماجه، از ابی هريره رضی الله عنه.

۳- صحیح مسلم.

۴- صحیح مسلم.

«خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است،» «پاک است آنکه برای (استفاده) ما این (مرکوب) را رام ساخت است، و ما خود به (تسخیر) آن دسترسی نداشتیم، حقا که ما به پروردگار خود بازگشتنی هستیم: ای بار اله! ما از تو درین سفر نیکوکاری و پرهیزگاری را مسئلت می‌نماییم، و نیز عملی را که پسندیده بارگاه تو است، ای بار اله! بر ما این سفر ما را سهل و آسان بساز، و فاصله دور آن را بر ما نزدیک بگردان، ای بار اله! تویی صاحب (من) در سفر و نائب (من) در خانواده (من) ای بار اله! بتو پناه می‌برم از مشقت‌های سفر و منظر بد، و از دگرگونی و بدحالی در مال و فرزند [خویش].»

دعای بازگشت از سفر:

«أَيُّوْنَ، تَأَيُّوْنَ، عَابِدُوْنَ، لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ»^۱.

«رجوع کنندگان (از سفر) توبه‌گاران و عبادت کنندگان مر پروردگار خود بوده و او را ثنا و ستایش می‌نماییم.»

دعای طلب باران:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾»
 [الفاتحة: ۲-۴]. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: أَنْتَ
 الْعَنِيُّ وَخَنُّ الْفُقَرَاءِ. أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ، وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْنَا قُوَّةً وَبَلَاغًا إِلَى
 حِينٍ»^۲.

۱- صحیح مسلم.

۲- سنن ابوداود و مستدرک حاکم.

«ستایش خدای راست که پروردگار جهانیان است، خدای بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم، پادشاه روز جزا، نیست معبودی بجز خداوند آنچه را اراده نماید انجام می‌دهد، ای بار الها! تو خدایی و بجز تو معبودی نیست، تو بی‌نیازی، و ما محتاج‌ایم، بر ما باران (رحمت خویش) را نازل فرما، و آنچه را که بر ما نازل نمودی (سبب) قوت و بسنده ساز تا میعاد معینی بگردان.»

دعای وقت داخل شدن به مسجد:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۱.

«پناه می‌برم بخداوند بزرگ، و بذات کریم او، و قدرت و غلبه قدیم او از شر شیطان رانده شده.»

«بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»^۲.

«بنام خداوند صلوات و سلام بر رسول خدا ﷺ، ای بار الها! گناهان مرا بیامرز و دروازه‌های رحمت خویش را برایم بگشای.»

دعای وقت بیرون شدن از مسجد:

«بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ»^۳.

«بنام خداوند صلوات و سلام بر رسول خدا ﷺ، ای بار الها! گناهان مرا

۱- سنن ابوداود.

۲- مسند امام احمد و سنن ابن ماجه.

۳- مسند امام احمد و سنن ابن ماجه.

بیمارز و دروازه‌های فضل خویش را برابیم بگشای.»

دعای وقت داخل شدن به بازار:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱.

«نیست معبودی بجز الله و خداوند یگانه و یکتا است، برای او هیچ شریکی نیست، و پادشاهی از آن او است، و (همه) ستایش از آن او است، زنده می‌گرداند و میمیراند، و او است زنده ابدی که هیچ نمی‌میرد، و به ید بلا کیف اوست خیرها، و او بر همه چیزها توانا است.»

دعای داخل شدن به بیت الخلاء:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبَاثِ وَالْخَبَائِثِ»^۲.

«بنام خداوند، ای بار الها! من به تو پناه می‌برم از (شر) شیطان‌های نر و ماده.»

دعای وقت بیرون شدن از بیت الخلاء:

«[عُفْرَانِكَ] الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي»^۳.

«آمرزش ترا میطلبم. ثنا و ستایش مرا خدایرا که از من چیزهای مؤذی را دور نموده و مرا عافیت بخشیده است.»

دعای تعزیت:

۱- سنن ترمذی و مسند امام احمد.

۲- صحیح بخاری و صحیح مسلم.

۳- سنن ترمذی و ابو داود.

«إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى، فَلْيَتَّصِرْ
وَلْيَتَّحْتَسِبْ»^۱.

«کسی را که میرانیده است از آن خداوند بوده است، همه چیزهایی را که داده است از آن او است، هر چیز در نزد خداوند میعاد معینی دارد، پس صبر کن خداوند برایت مزد و پاداش می دهد».

دعای زیارت قبور:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ
بِكُمْ لِأَحْقُونَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ
الْعَافِيَةَ»^۲.

«سلام باد بر شما اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان، و بدون شک ما هم اگر خداوند بخواهد بشما حتما پیوست شدنی هستیم، خداوند گذشتگان و آیندگان ما را مورد رحمت خود قرار دهد، از خداوند برای خود و شما عافیت (سلامتی از عذاب دنیا و آخرت را) می خواهیم».

دعای پیش از شروع طعام:

وقتی انسان می خواهد طعام بخورد «بسم الله» می گوید، و اگر گفتن «بسم الله» در آغاز طعام خوردن از یادش رفته بود این دعا را بخواند: «بِسْمِ
اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ»^۳. «بنام خداوند در اول و آخر طعام شروع می نمایم».

۱- صحیح بخاری: ۲۰ / ۸۰، و مسلم ۲۰ / ۶۲۶.

۲- صحیح مسلم: ۲ / ۲۷۱.

۳- سنن ابوداود: ۳ / ۳۴۷.

دعای بعد از فراغت از طعام:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ، مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ»^۱.
 «ثناء و ستایش مر خدای را که مرا طعام داده‌است و روزی را بدون
 صرف نمودن قوت و قدرت من، برایم ارزانی نموده است».

دعای مهمان برای میزبان:

«اللَّهُمَّ أَطْعِمْ مَنْ أَطْعَمَنِي وَأَسْقِ مَنْ سَقَانِي»^۲.
 «ای بار الها! کسی که مرا طعام خورانیده است او را طعام بده و کسی که
 مرا نوشانیده است او را بنوشان».

دعای روزه دار برای کسیکه او را افطاری داده است:

«أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ
 الْمَلَائِكَةُ»^۳.

«روزه داران در نزد شما افطار نمودند و نیکوکاران از طعام شما خوردند
 و فرشتگان بر شما رحمت فرستادند».

دعای وقت افطار:

«ذَهَبَ الظَّمَاُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ، وَتَبَّتْ الْأَجْرُ إِِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۴.
 «تشنگی از بین رفت، و رگها تر شد، و ثواب حاصل گردید، اگر خداوند
 بخواهد».

۱- سنن ابوداود.

۲- صحیح مسلم: ۱۲۶ / ۳.

۳- سنن ابوداود: ۳۶۷ / ۳.

۴- سنن ابوداود: ۳۰۶ / ۲.

دعای وقت عیادت مریض:

«لَا بَأْسَ ظُهُورٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۱.

«کدام حرجی نیست (این بیماری) اگر خداوند بخواهد (وسيله) پاکی گناهانت می‌گردد».

دعای عطسه زنده:

زمانی که انسان عطسه می‌زند بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ثناء و ستایش باد مر خدا را. و کسیکه به نزدش موجود است بگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» خداوند ترا مورد رحمت خود قرار دهد. و عطسه زنده در جوابش این دعا را بگوید: «يَهْدِيكُمْ اللَّهُ وَيُصْلِحَ بِالْكُفْمِ»^۲. «خداوند شما را هدایت کند و حال شما را درست بگرداند».

دعای برای کسیکه ازدواج نموده است:

«بَارَكَ اللَّهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي خَيْرٍ»^۳. «خداوند برای تو و بر تو برکت بگذارد و خداوند به هردوی شما خیر و خوبی ارزانی کند».

دعای خیر و برکت بر متاعی که انسان خریداری می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا

۱- صحیح بخاری.

۲- صحیح بخاری: ۷ / ۱۲۵، و مسند امام احمد بن حنبل.

۳- سنن ابوداود و سنن ترمذی.

جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ»^۱.

«ای بار الها! من از تو خیر این چیز را و خیری که در آن آفریدی می‌خواهم، و از شر آن و شری را که در آن آفریده‌ای بتو پناه می‌برم».

دعای وقت دیدن ماه نو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالتَّوْفِيقِ لِمَا نَحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ»^۲.

«خدا بزرگ است، ای بار الها! طلوع این ماه را بر ما مایه امن و ایمان و سلامتی و اسلام و توفیق بر چیزیکه تو آن را دوست داری و بآن راضی هستی بگردان، پروردگار ما و پروردگار تو خداوند عزوجل است».

دعای وقت دیدن در آینه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَسَّنَ خَلْقِي وَخُلِقِي وَزَانَ مِيَّيَّ مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي»^۳.

«تثنا و ستایش مر خدای را که آفرینش و اخلاق مرا نیکو ساخته است، و چیزهاییکه بدیگران عیب بوده بمن زینت گردانیده است».

دعای وقت آواز رعد و برق:

«سُبْحَانَ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ»^۴.

«پاک است خدای که رعد ثنا و ستایش او را مینماید، و فرشتگان از وی ترس و خوف دارند».

۱- سنن ابوداود: ۲ / ۲۴۸.

۲- سنن ترمذی: ۵ / ۵۰۶.

۳- طبرانی.

۴- موطأ امام مالک.

دعای وقت نوشیدن آب زمزم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱. «ای بار الها! من از تو علم پر منفعت و روزی فراخ و صحت یابی از هر دردی را می خواهم، برحمت تو ای مهربان ترین مهربانان». (توسل می جویم).

دعای ختم مجلس:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»^۲. «ای الله تو پاکی، ثناء و ستایش تو راست، گواهی می دهم باینکه جز تو معبودی نیست، از تو آمرزش می طلبم و به تو توبه گارم».

دعای وقت همبستر شدن با همسر:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنَّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنَّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا»^۳. «بنام خداوند، ای بار الها! ما را از (شر) شیطان نگهدار، و اولادهای که بما عطا می کنی از (شر) شیطان نگهدار».

دعای قبل از خواب:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا»^۴. «بنام تو ای بار الها! می میرم و زنده می گردم».

۱- مستدرک حاکم: ۱ / ۶۴۶.

۲- سنن ترمذی و ابوداود، و نسائی.

۳- صحیح بخاری: ۶ / ۱۴۱ و صحیح مسلم: ۲ / ۱۰۲۸.

۴- مسند امام احمد.

دعای وقت بیدار شدن از خواب:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»^۱.

«ثناء و ستایش مر خدای را که ما را بعد از میرانیدن زنده گردانیده و بسوی او حشر و نشر ما است».

دعای عقیقه:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ هَذِهِ عَقِيْقَةُ فُلَانٍ»^۲.

«بنام خدا، خدا بزرگ است، ای بار الها! از تو است، و برای تو، این عقیقه فلان (نام مولود را بگیرد)».

«اللَّهُمَّ هَذِهِ عَقِيْقَةُ فُلَانٍ دَمَهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ، وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي، وَنُسُكِي، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِي، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

«ای بار الها! این عقیقه فلانی (اینجا نام مولود گفته شود) است خون آن بخون او، استخوان آن به استخوان او، پوست آن به پوست او، موی آن بموی او، من بسوی آن ذاتی رو آوردم که آسمانها و زمین را آفریده است در حالیکه من از انحرافات برکنارم و از مشرکان نیستم، واقعاً نماز من، نسک من، زندگی من، و مرگ من برای خدا است، پروردگار جهانیان ذاتی که شریکی ندارد و من باین مأمور شده ام و من نخستین مسلمان هستم، خدایا! از تو است و برای تو».

چون بدینجا رسید حیوان را ذبح نماید.

۱- صحیح مسلم.

۲- سنن بیهقی: ۲ / ۱۸۵.

دعای قنوت:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْحَيْرَ، وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ، وَنَخْلَعُ مَنْ يَكْفُرُكَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَخْفَدُ، وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ»^(۱).

«ای بار الها! از تو یاری می‌جوییم، و از تو آمرزش می‌خواهیم، و بتو ایمان می‌آوریم، و به تو توکل می‌ورزیم، و به تو ثناء خیر می‌گوییم، و ترا شکر می‌کنیم، و نا سپاسی نمی‌کنیم، و کسانی را که از اوامر تو سر پیچی می‌کنند می‌گذاریم و ترک می‌دهیم، ای بار الها! خاص ترا می‌پرستیم و خاص برای تو نماز می‌گذاریم، و خاص ترا سجده می‌کنیم، و بسوی تو می‌شتابیم، و بتو اخلاص می‌ورزیم، رحمت ترا می‌جوییم، و از عذاب تو می‌ترسیم، واقعاً که عذاب تو بکافران پیوست است.»

دعای نجات از غم و اندوه:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمِيَتْ بِهِ نَفْسِكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي»^(۲).

«ای بار الها! من بنده توام و فرزند بنده توام و فرزند کنیز توام پیشانی من بید تو است، حکم تو در من جاری است، فیصله تو در مورد من عدل و انصاف است، تو به هر اسمیکه خود را بآن نام گذاری کرده ای و یا آن اسم

۱- سنن کبری بیهقی.

۲- مسند امام احمد: ۱ / ۳۹۱.

را در کتاب خویش نازل فرموده‌ای، و یا آن اسم را بکسی از مخلوق خویش تعلیم داده‌ای، و یا آن اسم را در نزد خویش در علم غیبی که بآن داری اختیار نمودی، سوال می‌کنم که قرآن را بهار دلم و نور سینه‌ام و وسیله برای دوری از غم و اندوهام بگردان.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَعَلَبَةِ الرَّجَالِ»^۱.

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اندوه و غم، و به تو پناه می‌برم از ناتوانی و کسالت، و به تو پناه می‌برم از ممسکی و ترس، و بتو پناه می‌برم از قرض داری و قهر مردها.»

دعای بی‌قراری:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»^۲.

«نیست معبودی بجز خدای حلیم و عظیم، نیست معبودی بجز خداوند پروردگار عرش بزرگ، نیست معبودی بجز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش کریم.»

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»^۳.

«ای بار الها! امید رحمت تو را دارم مرا به اندازه یک پلک چشم به نفس من مسپار، و تمام کارم را درست فرما، نیست معبودی جز تو.»

۱- صحیح بخاری: ۷ / ۱۵۸.

۲- صحیح بخاری: ۷ / ۱۵۴، و صحیح مسلم: ۴ / ۲۰۹۲.

۳- سنن ابوداود: ۴ / ۳۲۴.

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^۱. «نیست معبودی جز تو، پاکی تو، همانا من از جمله ستمگاران بودم».

«اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»^۲. «الله، الله، پروردگار من است، باو هیچ چیزی را شریک نمی‌سازم».

دعای رفع نا آرامی و یا ترس در خواب:

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُون»^۳.

«پناه می‌برم به کلمه‌های تمام خداوند از خشم و عذاب خداوند، و از شر بنده‌گان خداوند، و از وسوسه‌های شیاطین، و از حاضر شدن شیطان‌ها».

دعای برای عزت و رسیدن بمقام و منصب:

﴿اللَّهُمَّ مَلِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾﴾ [آل‌عمران: ۲۶-۲۷].

«ای بار الها! ای مالک ملک به هر کسی که خواهی پادشاهی می‌دهی و از هر کسی که به خواهی پادشاهی را می‌گیری، هر که را خواهی عزت می‌دهی و هر که خواهی ذلیل می‌گردانی، شب را به روز داخل می‌کنی و روز را بشب داخل می‌کنی، زنده را از مرده بیرون می‌کنی و مرده را از زنده

۱- سنن ترمذی: ۵ / ۵۲۹.

۲- ابوداود: ۲ / ۸۷.

۳- سنن ابوداود: ۴ / ۱۲.

بیرون می‌کنی، و هر که را خواهی روزی بی‌شمار می‌دهی».

دعای طلب علم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»^۱.

«ای بار الها! من از تو علم پر منفعت می‌خواهم و پناه می‌برم بتو از علمیکه در آن نفعی نمی‌باشد».

دعا برای جلوگیری از امراض خطرناک:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُدَامِ، وَالْجُنُونِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ»^۲.

«ای بار الها! بتو پناه می‌برم از (مبتلا شدن) به پیسی، دیوانگی، بندخوره، و سایر مرض‌های بد».

دعای صحتی و سلامتی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۳.

«ای بار الها! من از تو سوال صحتی و سلامتی را در دنیا و آخرت می‌نمایم».

دعای نجات از شرک:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ»^۴.

۱- سنن ابن ماجه: ۲ / ۳۲۷.

۲- مصنف ابی شیبه: ۷ / ۱۸.

۳- سنن ترمذی: ۵ / ۵۲۴.

۴- مسند احمد: ۴ / ۴۰۳.

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اینکه بتو شریک بگیرم در حالیکه من می‌دانم، و از تو آمرزش می‌طلبم از (شرک و) چیزی که من نمی‌دانم».

دعای وقت دیدن مصیبت زده:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ، وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا»^۱. «ثناء و ستایش مر خدای را که مرا از چیزیکه ترا بآن مبتلاء نموده است نجات داده‌است، و مرا بر بسیاری از مخلوق خود فضیلت و برتری بخشیده است».

دعای بعد از اذان:

«اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ النَّامَةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ»^۲. «ای بار الها! صاحب این دعوت کامله، و نماز استوار، محمد ﷺ را وسیله و فضیلت و درجه رفیع عطا فرما، و او را در مقام محمود قرار بده، مقامیکه وعده آن را فرموده‌ای».

دعای وقت روبرو شدن به دشمن:

«اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا وَآمِنْ رَوْعَاتِنَا»^۳. «ای بار الها! عیب‌های ما را بیوشان و ترس ما را به امن بدل فرما».

دعای درخواست اخلاق حسنه:

۱- سنن ترمذی: ۵ / ۴۹۳، و مشکاة المصابیح، باب الدعوات فصل دوم.

۲- صحیح بخاری: ۱ / ۱۵۲.

۳- مسند احمد: و مشکاة المصابیح باب الدعوات فی الأوقات فصل سوم.

«اللَّهُمَّ حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي»^۱.

«ای بار الها! آفرینش مرا نیکو ساختی پس اخلاق مرا نیز نیکو بساز.»

دعای جنازه:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَعَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا
وَأُنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى
الْإِيمَانِ»^۲.

«ای بار الها! زنده و مرده ما را و حاضر و غائب ما را و کوچک و بزرگ ما
را و مرد و زن ما را بیامرزد، بار الها! هرکه را از ما زنده نموده ای، پس زنده
نگهدار او را بر اسلام، و هر که را از ما فوت ساخته ای پس او را بر ایمان
بمیران.»

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنَّهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ،
وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخُطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ
الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ،
وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ، وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ»^۳.

«ای بار الها! او را بیامرزد و بر او رحم کن او را عافیت ده، از او در گذر،
مهمانی او را به عزت تمام فراهم گردان، قبر او را فراخ کن، او را به آب برف
و ژاله بشوی، و او را از گناها پاک کن چنانکه پارچه ای سفید را از چرک
پاک میکنی، و او را به خانه ای بهتر از خانه اش، و به اهلی بهتر از اهلیش، و

۱- مسند امام احمد: ۶ / ۶۵.

۲- مشکاة المصابیح باب المشی بالجنازة فصل دوم.

۳- صحیح مسلم: ۲ / ۶۶۳.

به همسری بهتر از همسرش عوض بده، او را به بهشت داخل گردان، و او را از عذاب قبر و عذاب آتش وارهان».

دعای برای جنازه پسر نابالغ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعًا»^۱.

«ای بار الها! او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه ای از پیش فرستاده شده، و او را برای ما اجر و ذخیره گردان، و او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعة گردان».

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَسَلَفًا، وَأَجْرًا»^۲.

«خدایا! او را برای ما میزبان و ذخیره و ثوابی قرار ده».

دعا برای جنازه دختر نابالغ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا فَرَطًا ، وَاجْعَلْهَا لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهَا لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعَةً»^۳.

«ای بارالها! او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه‌ای از پیش فرستاده شده، و او را برای ما اجر و ذخیره گردان، و او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعة گردان».

دعای برای علاج بی‌خوابی:

۱- سنن ابوداود و نسائی و سنن ترمذی.

۲- صحیح بخاری کتاب الجنائز، باب قراءة فاتحة الكتاب على الجنائز. ۲ / ۱۱۳.

۳- مشکاة المصابیح.

«اللَّهُمَّ غَارَتِ التُّجُومُ وَهَدَّاتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أُنِّمْ عَيْنِي»^۱.

«ای بار الها! ستاره‌ها غائب شدند، و چشم‌ها آرام گرفتند، و توی زنده و بخود پاینده»، ای زنده ای بخود پاینده، و چشم‌هایم را به خواب ببر.»

دعای سجده تلاوت:

«سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَحَوَّلَهُ وَقُوَّتَهُ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۲. «چهره‌ای من ذاتی را که او را آفریده و صورت بندی نموده است سجده کرده است، ذاتی که گوش‌ها و چشم او را به قوت و توانایی خویش سوراخ نموده است با برکت است خداوند و بهترین آفریدگار است.»

دعای وقت شنیدن آواز خروس:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ»^۳. «ای بار الها! من از فضل و مهربانی تو سوال می‌کنم.»

دعای وقت شنیدن عرعر خر:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۴.

۱- معجم کبیر طبرانی: ۵ / ۱۲۴، شیخ آل‌بانی در سلسله الأحادیث الضعیفة نقل کرده گفته است که این حدیث ضعیف است.

۲- مشکاة المصابیح.

۳- مشکاة المصابیح: باب الدعوات فی الأوقات، فصل الأول.

۴- مشکاة المصابیح: باب الدعوات فی الأوقات، فصل الأول.

«پناه می برم به خداوند از شر شیطان رانده شده».

دعا برای نجات حاصل کردن از عادات و اخلاق ناپسند:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ التَّفَاقِ وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكِذْبِ وَعَيْنِي مِنَ الْحَيَاةِ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَآئِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورِ»^۱.

«ای بار الها! قلبم را از نفاق و عملم را از ریا و زبانم را از دروغ، و چشم‌هایم را از خیانت پاک بگردان، توی که به خیانت کردن چشم‌ها علم داری و چیزهای که در سینه‌ها پوشیده است می‌دانی».

دعا برای رفع مشکلات:

«اللَّهُمَّ لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَهُ سَهْلًا وَأَنْتَ تَجْعَلُ الْحَزْنَ إِذَا شِئْتَ سَهْلًا»^(۲).

«ای بار الها! هیچ کاری آسان نمی‌گردد مگر آن که تو او را سهل و آسان بگردانی، و تو مشکل را اگر بخواهی آسان می‌گردانی».

دعا جهت نجات یافتن از قرض داری:

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ»^۳.

«ای بار الها! احتیاجات مرا از روزی حلال پوره کن و از (خوردن) حرام مرا رهایی بخش، و از ماسوی خود بفضل و مرحمت خویش مرا بی‌نیاز ساز».

دعا برای پدر و مادر:

﴿رَبِّ أَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۴].

۱- حکیم ترمذی و خطیب بغدادی.

۲- صحیح ابن حبان حدیث: ۲۴۲۷.

۳- سنن ترمذی: ۵ / ۵۶۰.

«پروردگارا! برای پدر و مادرم ببخشا همچنانکه مرا در خورد سالی تربیه کرده‌اند».

نشش کلمه دین

اول کلمه طیبه:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ».

«جز خداوند هیچ معبودی نیست، محمد ﷺ فرستاده خدا است».

دوم کلمه شهادت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

«گواهی می‌دهم بر اینکه جز خداوند هیچ معبودی نیست، او یکتا است و او را هیچ شریکی نیست، و گواهی می‌دهم بر اینکه محمد ﷺ بنده خدا ﷻ و رسول او است».

سوم کلمه تمجید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱.

«پاک است خداوند، همه ثنا و ستایش از آن اوست، و هیچ معبودی جز او نیست، و خداوند بزرگ است، و هیچ جای بازگشتی و قوتی جز خداوند نیست، خدا بلند مرتبه و بزرگ است».

چهارم کلمه توحید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ أَبَدًا أَبَدًا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

«جز خدا هیچ معبودی نیست، او یکتا است، و او را هیچ شریکی نیست، پادشاهی از آن اوست، و ثناء و ستایش مختص ذات اوست، زنده میگرداند و میمیراند، و اوست زنده دائمی و ابدی، صاحب عظمت و بزرگی است، خیر و خوبی بید اوست، و او بر هر چیز توانا است».

پنجم کلمه استغفار:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتُهُ عَمْدًا أَوْ خَطَأً سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي أَعْلَمُ، وَمِنَ الذَّنْبِ الَّذِي لَا أَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَسِتَّارُ الْعُيُوبِ وَعَفَّارُ الذُّنُوبِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

«از خداوند پروردگار خویش از همه گناهان که به قصد یا بخطا و پوشیده و یا آشکار انجام داده‌ام آمرزش می‌خواهم و بسوی او از همه گناهی که می‌دانم و گناهی که نمی‌دانم توبه می‌نمایم، ای بار الها! تو بسیار داننده امور غیبی و تو بسیار پوشاننده عیب‌های و تو بسیار آمرزنده گناهی، و نیست هیچ جای بازگشتی و نه هم قوتی جز خداوند خدای بلند مرتبه و بزرگ».

ششم کلمه رد کفر:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ بِهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَتَبَّرْتُ مِنَ الْكُفْرِ وَالشُّرْكِ وَالْعَيْبَةِ وَالْبِدْعَةِ وَالتَّمِيمَةِ

وَالْفَوَاحِشِ وَالْبُهْتَانِ وَالْمَعَاصِي كُلِّهَا، وَأَسْلَمْتُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ».

«ای بار الها! بتو پناه می‌برم از اینکه بتو چیزی را شریک بگردانم و من آن را بدانم، و از چیزهاییکه نمی‌دانم از تو آمرزش می‌خواهم از آن (همه گناهان) توبه نمودم و از کفر و شرک و غیبت و بدعت و سخن چینی و کارهای زشت، و همه گناهان بیزاری می‌جویم، و اسلام آوردم و می‌گویم: جز خداوند هیچ معبودی نیست، و محمد ﷺ رسول خدا است.»

وظیفه نهایت آسان و پر وزن در صحیفه اعمال:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»^۱.

«پاک است خداوند ثناء و ستایش مر خدای راست، پاک است خداوند بزرگ».

«الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، وألف ألف صلاة وسلام على أفضل البريات، وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان، رضي الله عنهم ورضوا عنه».

از خوانندگان این مجموعه (اذکار صالحین) التماس دعا دارم.

اسلام آباد پاکستان

دکتور نظام الدین «نافع»

تاریخ: ۱۰ / ۲ / ۲۰۰۸ م.

۱- صحیح بخاری: ۷ / ۱۶۸ صحیح مسلم: ۴ / ۲۰۷۲.

فهرست مأخذ

ش	نام کتاب	نام مؤلف
۱	قرآن کریم	
۲	صحیح البخاری	محمد بن اسماعیل بخاری
۳	صحیح مسلم	مسلم ابی الحسن ابن حجاج القشیری
۴	سنن ترمذی	ابو عیسی محمد ابن عیسی الترمذی
۵	سنن ابو داود	سلیمان بن الأشعث السجستانی
۶	سنن نسائی	ابو عبد الرحمن احمد ابن شعیب النسائی
۷	سنن ابن ماجه	ابو عبد الله محمد بن یزید القزوینی
۸	موطا امام مالک	ابن انس الأصبیحی
۹	مسند امام احمد	امام احمد ابن حنبل
۱۰	مستدرک	ابوعبدالله حاکم نيسابوری
۱۱	السنن الكبرى	امام بیهقی
۱۲	مشکاة المصابیح	خطیب تبریزی
۱۳	تاریخ بغداد	خطیب بغداد
۱۴	الدعاء من الكتاب والسنة	سعد بن علی القحطان

سعد بن علي القحطان	حصن المسلم	١٥
الجواد أحمد عبد الجواد	الدعاء المستجاب من الحديث والكتاب	١٦

آثار علمی مؤلف

- الف - آثار چاپ شده:
- ۱ - اذکار صالحین (کتاب حاضر).
 - ۲ - انحرافات در دوره آوارگی و تدابیری آن.
 - ۳ - اساسات استراتیژی امریکا در قضیه افغانستان (ترجمه).
 - ۴ - تجوید و علوم قرآن.
 - ۵ - تفسیر نافع (سوره فاتحه و پاره اخیر قرآن مجید).
 - ۶ - تفسیر نافع (سوره‌های یس، الرحمن، و الملک).
 - ۷ - جهاد و هجرت.
 - ۸ - جهاد از دیدگاه قرآن و حدیث (به زبان دری و پشتو).
 - ۹ - الجهاد في سبيل الله مفهومه والدعوة إليه (به زبان عربی).
 - ۱۰ - حقوق طفل در اسلام.
 - ۱۱ - روزه.
 - ۱۲ - رهنمای حج و عمره و زیارت مسجد نبوی ﷺ.
 - ۱۳ - عدالت در اسلام.
 - ۱۴ - کتاب مطالعه (ترجمه).
 - ۱۵ - مسائل توحید از طریق سؤال و جواب.
 - ۱۶ - میراث در اسلام.
 - ۱۷ - سود و ضررهای آن.
 - ۱۸ - نماز.
 - ۱۹ - منهیات در اسلام.
 - ۲۰ - نشانه‌های استراتیژی انکشاف اجتماعی در افغانستان (ترجمه).

- ۲۱- وجوب عمل به سنت رسول اکرم ﷺ و کفر منکر آن (ترجمه).
- ۲۲- یتیم در جامعه اسلامی.
- ۲۳- سیرت النبی ﷺ (ترجمه).
- ب- آثار آماده چاپ:
- ۲۴- تعلیم و تربیه اسلامی صنف چهارم (کتاب درسی).
- ۲۵- تعلیم و تربیه اسلامی صنف پنجم (کتاب درسی).
- ۲۶- الحقوق الأساسية للبشر (به زبان عربی).
- ۲۷- افغانستان در گذشته و حال (ترجمه).
- ۲۸- ملا علی القاری الهروی محدثاً (رساله دوکتوری).
- ۲۹- الإمام البخاری وصحیحه (به زبان عربی).
- ۳۰- العلم النافع أو صافه وآثاره (به زبان عربی).
- ج- تحقیق و تدقیق بر کتب ذیل:
- ۳۱- تدقیق ترجمه دری فی ظلال القرآن «شهید سید قطب».
- ترجمه استاد محمد صدیق راشد سلجوقی جزء اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم.
- ۳۲- تدقیق ترجمه تفسیر قرآن مجید «عبدالله یوسف علی» ترجمه استاد صباح الدین کشکی جلد اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم (قرآن مجید از اول تا اخیر).
- ۳۳- ارکان اسلام.
- ۳۴- حضرت عیسیٰ علیہ السلام بنده خدا و رسول او.
- ۳۵- حکمت شهادت.
- ۳۶- داستان های پیامبران علیهم السلام.

-
- ۳۷- تربیه اولاد مسلمان در جوامع غیر اسلامی.
- ۳۸- اسلام و شوروی.
- ۳۹- نمای از نظام سیاسی اسلام.